



در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی گفته شد:

# مسئولان اجرائی کشور باید حتی المقدور زمینه‌های نارضایتی را کمتر کنند

مردم خواستار اعمال قاطعیت از ارگانهای مسئول هستند و وجود و گسترش شوراها باعث سروسامان یافتن اوضاع جامعه می‌شود.

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شده، یکی از نمایندگان ملی سخنانی، خواستار اعمال قاطعیت مسئولین در مقابل عوامل ضدانقلاب شد. اولین ناطق قبل از دستور جلسه دیروز، محسن مجتهد شبستری، نماینده مردم تهران، ملی سخنانی، با اشاره به درگیریها و تنجانی که از سوی عوامل ضدانقلاب در نقاط مختلف کشور صورت می‌گیرد، گفت:

**«سخنان داخلی یا ابراهیم از اربابان خارجی، چون از شکست نظامی ایران مایوس شدند... دست به توطئه‌ها زدند. آفرینها و آشوب و تنج می‌زنند. ناطق ضمن اشاره به اینکه «از سوی مسئولان کشور اعمال قاطعیت لازم دیده نمی‌شود، از جمله سؤال کرد:**

**«آیا این بر تصمیمها و ترسها از بدتر شدن اوضاع و گوش دادن به حرف این و آن و اهه از تسلیم به شاتازهای سیاسی بعضی قلم‌بستان و مداراهای غیر- انقلابی به بهانه حفظ آزادی، آثار (اشتمان داخلی انقلاب) جری‌تر و حاکمیت قانون و سازد... آیا استقرار و حاکمیت قانون و رفتار با ضدانقلاب طبق مقررات زمان جنگ، که مکرر وعده و وعده‌ها را می‌شوم، جز با سرکوب ضدانقلاب ممکن است؟»**

ناطق همچنین با اشاره به اینکه بسیاری از افرادی که به صف «مخالفین» انقلاب می‌پیوندند، یا افرادی «تلاکاه و فریب‌خورده هستند» یا بعلت «نارساییهایی که در قسمت‌های مختلف اجرائی مشاهده

گردانده، که تا مساعید بودن اوضاع اقتصادی در آن سهم بسزائی دارد»، مخالف شدمانده، از مسئولین رسانه‌های گروهی و بخصوص مسئولین صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران خواست که «برنامه‌های پست آزاد را هر چه زودتر قریب ذهنه، وی همچنین افزود: «از سایر دست‌اندرکاران و مسئولان اجرائی کشور میخواهم که حتی الامکان زمینه‌های نارضایتی را کمتر فراهم کنند و در انتخاب مجریان و کارمندان دقت بیشتری بفرج ذهنه».

ناطق گفت: «مردم از مجلس شورای اسلامی انتظار دارند، سرعت عمل بیشتری نشان‌دهند و لوائح اساسی مانند لوائح احزاب و گروهها و مطبوعات را هر چه زودتر تصویب و تکلیف همگان را روشن کنند».

ناطق بعدی قبل از دستور، اسدی‌نیا نماینده اهواز بود که با اشاره به جنایات تجاوزگران صدامی در جبهه‌های جنگ، از ترور حسین پژوه‌ننده، سرپرست دانشکده علوم اهواز و عضو شورای بسیج مستضعفین این شهر، توسط عوامل ضدانقلاب سخن گفت و این عمل را جنایتی همانند «جنایات صدام» دانست.

**حجت‌الاسلام خلیلی،** نماینده مردم قم، نیز به عنوان اخطار قانونی و با استناد به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خواستار پاسخگویی سریع مسئولین به سئوالات نمایندگان مجلس شد.

**حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی** در پاسخ، ضمن اشاره به بعضی کارهای خوبی که در دستور مجلس قرار می‌گیرد از نمایندگان

خواست که بعضی از سئوالات را بصورت تذکر به مسئولین بدهند. آنگاه مجلس وارد دستور شد و طرح عدم‌ای از نمایندگان درباره «تفکک امور جنگ‌زدگان» در حضور شورای نگهبانیه بحث گذاشته شد. طبق این طرح برای رسیدگی به مشکلات اقتصادی، بهداشتی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی جنگ‌زدگان، بنیادی، که دارای شخصیت حقوقی است، زیر نظر معاون نخست‌وزیر تشکیل می‌شود. درباره این طرح چندتن از نمایندگان بصورت موافق و مخالف سخن گفتند. در پایان بحث، خبر کمیسیون اخلاخه به سئوالات پاسخ گفت و پس از توضیحات مریضیه، نماینده وزارت کشور، درباره کلیات این طرح رای گیری شد و به تصویب رسید.

آنگاه بحث در مورد جزئیات این طرح آغاز شد و پیشنهادها نمایندگان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در ادامه این بحث، نصراللهی نماینده آبادان، ضمن تأکید بر ضرورت وجود «شورائی» که در این طرح گنجانده شده است، از جمله گفت:

**«ایجاد و گسترش شوراها، موجب سروسامان دادن بهتر به اوضاع و احوال جامعه و ختمی کردن توطئه‌هاست، که متأسفانه هنوز بطور جدی به آن نپرداخته‌ایم. بایستی تلاش کنیم این اصل مهم را در زنده امور خود جاری کنیم».**

بعثت پایان وقت مجلس، ادامه بحث در مورد جزئیات این طرح، به جلسه فردا موکول شد. همچنین در این جلسه ۲ لایحه از سوی دولت به مجلس تقدیم و به کمیسیونهای مربوطه ارجاع شد.

## تنظیم و ارائه...

بقیه از صفحه ۱

اجتماعی و فرهنگی، خواستارون- سازی کشور بود زحمتکشان، رشد کشور و تأمین نیازمندیهای مادی و معنوی توده‌های میلیونی مردم است. باید راه چاره دردها را نشان دهد، وگرنه، کلی گویی و پرگویی درباره وجود دردها، هر قدر زیادتر تحقیق کند، آن‌قدر، حل مشکلات و مسائل مبتلابه کشور نرسد.

بدر شرایطی که انقلاب ما وارد مرحله فوق‌العاده حساسی شده است، ارائه پیشنهادها سازنده، ارائه برنامه برای رفع مشکلات و حل مسائل مبتلابه کشور، در برابر همه نیروهای انقلابی، همه مقامات و شخصیتها و نهادهای مسئول جمهوری اسلامی ایران، همچون وظیفه انقلابی برجسته‌تر میشود.

یکی از مشرات بزرگ تنج، سایه‌افکندن بر روی این وظیفه، اختلال در انجام آن است. با آراش سیاسی بهتر و بیشتر روشن میشود که وظیفه اصلی در رفع مشکلات و حل مسائل، تدوین و ارائه برنامه‌های سازنده برای رفع دشواریها و بظانر نوسازی انقلابی کشور است.

## نیاز جامعه به مشاغل گوناگون...

بقیه از صفحه ۱

برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. چگونه؟ برای پاسخ به این سئوالات، کار عظیمی باید صورت گیرد، تا اولاً نیاز جامعه به مشاغل گوناگون مشخص شود؛ ثانیاً بر آن مینا امکان اشتغال به کار برای همه افراد فراهم گردد؛ ثالثاً شرایط برای تحقق این امکان ایجاد گردد؛ رابعاً بر اساس استفاده از این شرایط، همه افراد به کار جلب و به کار گمارده شوند. هر کدام از این بندهای چهارگانه، عرصه فعالیت بزرگی است.

یا مثلاً میدانیم که یکی از مسائل بزرگ مبتلابه کشور، مسئله تأمین مسکن برای اهالی است. در قانون اساسی تصریح شده است که:

**«تأمین مسکن مناسب بابتیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است، یا رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، بخصوص روستائیان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند».**

طبق این اصل قانون اساسی، باید بنیاد روستائیان و کارگران به مسکن بمنوان ایجاد زمینه‌ها تأمین مسکن برای همه نیازمندان، در درجه اول، برآورده شود. ولی برای اینکه برنامه‌های لازم است، که در آن همه امکانات در این عرصه مشخص شود و نحوه تبدیل این امکانات به واقعیت مسکن برای زحمتکشان روستا و شهر، ارائه گردد.

## هر يك از ديگر مسائل مهمی...

بقیه از صفحه ۱

که حل آنها در برابر کشور قرار گرفته: اصلاحات ارضی، سود زحمتکشان روستا، رشد کشاورزی، ایجاد صنایع مادر و توسعه صنایع، دولتی کردن بازرگانی خارجی، ایجاد شبکه تعاونیهای تولیدی و تعاونیهای مصرف در سطح کشور، تأمین خدمات پزشکی برای عموم، آموزش رایگان تا حد متوسطه برای همه کودکان و نوجوانان، رشد دانش و علوم و فنون و نحوه استفاده از علوم و فنون و تجارب بشری و دردها مسئله دیگری، که بدون حل آنها، توسازی کشور ممکن نیست، هر يك نیازمند برنامه‌ریزیهای کوتاه مدت و درازمدت دقیق و همه‌جانبه بررسی شدمو تنظیم شده است.

این برنامه‌ریزیها را میتوان و باید بکمک پیشنهادها سازنده و طرحهای تنظیم و تدوین کرد، که از جانب همه نیروها و نهادهای انقلابی راستین ارائه داده شوند. هر کسی بقدر امکان خود باید در این زمینه کوشش بعمل آورد. هر کسی سعی در کمک به برنامه‌ریزیها نکند، از انجام وظیفه انقلابی که بر عهده دارد غفلت یا عدول کرده است.

حزب توده ایران همواره کوشیده است که برای رفع مشکلات و حل مسائل مبتلابه کشور، پیشنهادها و طرحهای مشخصی ارائه دهد، پیشنهادها و طرحهایی که بتوانند به برنامه‌ریزیها کمک کنند. برنامه حزب توده ایران برای تهیه، تنظیم و گسترش همه-جانبه انقلاب ضدامپریالیستی و

## کمک مالی به حزب توده ایران

تک وظیفه انقلابی است!

سازمان حزب	
از بندترکمن	۱۰۰۰۰ ریال
هواداران حزب	
در بندر گز	۱۷۰۰۰ ریال
چند هوادار حزب	۴۱۰۰ ریال
علی و مهناز	۵۰۰۰ ریال
از بندرگز	۲۰۰۰ ریال
مسعود از کرمان	۲۰۰۰ ریال
م. حیدری (ککسه‌ماه)	
از بندرگز	۱۵۰۰۰ ریال
عازق- ق به حزب پدرش	
۱۰۰۰۰ ریال	
فرشید الف. ف	۲۰۰۰ ریال
خانم ی. ح	۲۰۰۰ ریال

مردمی ایران، مصوب فرهنگیه پنوم (وسیع) کمیته مرکزی نتیجه احساس مسئولیت حزبها در برابر خلق ما و انقلاب ما و در راستای انجام این وظیفه انقلابی است.

به گمان ما همه باید در این راه کوشش کنند تا رفع مشکلات و حل مسائل مسکن شود، تا توسازی کشور بصورت زحمتکشان آغاز گردد و به جریان افتد، تا مردم ما احساس و لمس کنند که آینده بهتری در انتظار آنهاست، تا اعتقاد مردم به انقلاب، انقلاب کورخ نستان علیه کساح‌نشینان - مستحکم‌تر و رزمنده‌تر گردد.

# پیام شادباش

## سازمان حزب توده ایران در بروجن به مناسبت برگزاری هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی

رقتای عزیز کمیته مرکزی حزب توده ایران رقتای شما در سازمان بروجن حزب توده ایران، با شغف و افتخار، از خیرتشکیل هفدهمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، به مناسبت و به مناسبت انتخاب شایسته مجدد رفیق گیلواری بمنوان دبیرارل کمیته مرکزی حزب توده ایران، این رقتا، گرمترین درودهای رقیفانه و صمیمانه‌ترین تبریکات خود را به دبیران منتخب پلنوم، اعضاء هیئت سیاسی، رقتای کمیته مرکزی و از آن طریق به همه اعضاء و هواداران رزمنده حزب تقدیم می‌دارند.

رقتای شما در سازمان بروجن حزب بدیتوسیله به شما اطمینان میدهند که نه تنها اهمیت تشکیل پلنوم هفدهم و دستاوردهای موفقیت آمیز آنرا در چنین دوران جوشان ویر تلاطم کشورمان، بدستی درک می‌کنند، بلکه آرزومند آنند که شما یقین داشته باشید که این رقتا، به مسئولیتها و وظائف خود در برابر تصمیمات دوران ساز پلنوم و برنامه مصوبه آن بخوبی آگاهند و صبور و رزمنده، در جهت تحقق اهداف آن خواهند کوشید، تا نشان‌دهند که شایسته نام توده‌ای هستند.

## يك گردان ...

بقیه از صفحه ۱

در منطقه غرب اهواز، با آتش نیروی کمین ارتش جمهوری اسلامی ایران روی یکانهای دشمن، بیست تن از سربازان عراقی به هلاکت رسیدند. در جبهه آبادان در نتیجه اجرای آتش توپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران يك تانک، يك تفنگ ۱۰۶، يك ساختمان محل تجمع دشمن، چندین سنگر انفرادی و چند قبضه آر.بی. جی. ۲ نابود و ۹۰ نفر از نیروهای متخاصم کشته و زخمی شدند. در جبهه آبادان، سدهای ماهشهر، نیز بیست تن از قوای دشمن به هلاکت رسیدند.

جنايتكاران رژیم صدام آمریکائی در دو روز گذشته نقاط مسکونی شهرهای آبادان، اهواز، دزفول را با آتش توپخانه و خیمه‌انداز هدف قرار دادند. در جریان این حملات وحشیانه علاوه بر خسارات مالی و تلفات واحدهای مسکونی تعدادی از هوپلطان عزیز ما در شهرهای مزبور شهید و مجروح شدند. چنگنده‌های نیروی هواپیمارکن جمهوری اسلامی ایران روز ۱۴ اردیبهشت نیروهای دشمن را در منطقه جغیر در جنوب سوسنگرد مورد حمله قرار دادند و خسارات و تلفات قابل ملاحظه‌ای به دشمن وارد آوردند. يك ستون خوددرو دشمن که در چاده فار - چهره در حرکت بود هدف آتش یکگان- های دلاور نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و تلفات سنگینی به آنها وارد و از ادامه فعالیت‌هایشان جلوگیری بعمل آمد.

در ارتقاات بیررستم مریوانه هنگامیکه دشمن میادرت بیايد- کردن نیرو میگرد، به وسیله رزمندهگان ارتش و سپاه پاسداران محاصره شد و زیر آتش سلاح- های مدافهان انقلاب قرار گرفت. در این عملیات نافلکیرانه حد اقل یکصد تن از سربازان صدام به هلاکت رسیدند و تعداد زیادی زخمی شدند و حداقل ۲۳ تن به اسارت در آمدند. همچنین در این عملیات يك گردان نیروهای

## اسناد جاسوسخانه...

بقیه از صفحه ۱

آزادی در تقسیم کار برای استقبال از خمینی بتوافق رسیدند (ارتش باید از فرودگاه و جاده‌های که به شیداد منتهی میشد، حفاظت کند و نفیست آزادی امنیت پدش را پسهده داشته باشند) و گروه موافق بودند که ملاقاتهای دیگری هودر روزهای آینده مورد لزوم است. بقول میانجی افراد ارتش گفتند که با تغییرات سیاسی ضروری موافق هستند و ارتش در صورتی تغییرات اینها را قبول میکند که در چهارچوب قانون اساسی باشند. تم تحلیل و نظر: هم میانجی و هم انتظام مطمئن بودند که خطر اولیه بر خورد بین ارتش و نفیست مسلمانان به اندازه قابل توجهی کاهش پیدا کرده، هیچکدام نمی‌توانستند اطمینان دهند که خمینی جمهوری اسلامی اعلام کند و بدین ترتیب مقابله سیاسی را برانگیزد ولی میانجی فکر میکرد خمینی با دیگر علمایز از اعلام موافق قاطع توافق کامل کرده است. انتظام گفت که برخلاف تو صیغه نفیست آزادی خمینی تصمصیم به برگشتن به ایران را گرفته بود.

(انتشاری شماره ۱۰، صفحه ۴۳ و ۴۴)

مخصوص کلاسز جمعی لشکر ۷ کرکوک به کلی تاروماز شد و يك فرودت میگ عراق با آتش پدافند هوائی مورد اصابت واقع شد و در خال عراق مقابل مریوان سقوط کرد. در این عملیات ششلی از قبیل تجیزات مخابراتی- کلاسیکته آ.ر. بی. جی. ۲ و مهمات زیادی بدست قوای خودی افتاد و یکصد و پنجاه مین ضد نفر نیز کشف و ختمی شد.

در جبهه‌های مهران و ایلام نیز يك خودرو و يك تفنگ ۲، ۱۰۶ سنگر سلاحهای سنگین، ۳ سنگر گروهی و يك میدان مین دشمن منهدم شد و ۹ تن از افسراد دشمن متجاوز کشته و یا زخمی شدند.

# انقلاب فرهنگی و مارکسیسم

## در حاشیه يك مقاله روزنامه «جمهوری اسلامی»

الدین طوسی، اندیشمندان کبریا، بهیرویی از اهل اموغلی سینا که او هم فیلسوف شمه بود (مشایخ اندیشید، ولی به منویات ابقان داشت. اما مارکسیسم برای منویات و از آنجمله فرهنگ در تکامل اجتماعی، نقش مهم و درموردی تعیین کننده قائل است. والا این امر در حکم نفی خویش و نفی رهبری فکری و فرهنگی جامعه بود. در اینباره نیز به ردکنندگان مارکسیسم توصیه می‌کنیم که لااقل مقاله «درباره پویایی بینش مارکسیستی» را در ضمیمه تئوریک «نامه مردم» (دنیای شماره ۸، سال ۵۹، صفحه ۳۷) مطالعه کنند، تا ببینند که آیا مارکسیسم «قافیه برداز» و «قالبی اندیش است یا نه.

مانعی خواهیم این نوشته را با تکرار مقالاتی، که بدانها اشاره کردیم و مراجعه دادیم، و بر از نقل قولهای روشن کننده از متفکران بزرگ مارکسیسم توصیه می‌کنیم. وقتی اسلام به‌شما می‌گوید: «اطلبوا العلم ولو بالصلین»، یعنی شما را از خواندن آثار دیگران منع نمی‌کند، برعکس شما را به‌مغص و کجنگاری فرامی‌خواند.

ما از هیچکس این توقع بیجا رانداریم که ما مارکسیسم یا با بینش حزب مائوئیستی کند. ولی قرآن توجیه می‌کند: «ارغالی سویل ربک بالحکمه والمعطفه الحسنه و جادلبهم بالذی هی احسن». شما وظیفه شرعی دارید که به‌سختی، مودب‌ترین و مودب‌ترین منظره را به‌پا بیاورید. آینه تریب انکار منظره را به‌پا بیاورید. در باب اخلاق اسلامی است. و اگر قلم انداز، هرچه در لثان خواست به مخالف نسبت دهد، در این امید که «الحاد» راد می‌کند، سرانجام اعتماد نسبت به اتحاد و آگاهی و بصیرت خود را از دست خواهید داد.

ولی از دیدگاه جهان بینی انقلابی مارکسیسم، در شرایط زندگی و نبود رنجبران و در دوران حاکمیت ایشان چنین است، محتوی فرهنگ پرولتاری (ر.ک. به کلیات آثار لنین - جلد ۳۱) است. و نیز جلد ۲۹ - صفحه ۲۶۰ آنچه که مارکسیست‌های اصیل در «انقلاب فرهنگی» مائوئیستی انتقاد کردند، جنبه ذهنیت سیاسی، جنبه نفسی آمیز آن نیست به فرهنگ گذشته، بشری بود و نه «عینیت» انقلاب فرهنگی، که هیچ انقلابی در جهان بدون آن نمی‌تواند پازرسی کند و راه بگشاید.

بعلاوه، مفید است که «ردکنندگان مارکسیسم» لااقل برنامه اخیر حزب توده ایران مصوب هفدهمین پنجم (وسیع) کمیته مرکزی را، که در بند ۶ خود، آموزش و پرورش و فرهنگ اجتماعی را مطرح می‌کند، مطالعه کنند. آیا آن پیشنهادها دلیل آنست که ذهن فرهنگی «دنیای» و «قالبی برای انقلاب» در خارج عینیت قائل نیست؟ آیا خود این مقاله حاضر دلیل بر آن درستی بودن دعوی مطروحه نیست؟

این حکم مضحک، که چون مارکسیسم از دیدگاه عمومی فلسفی ویر - با مملوون طبیعی موجود، به‌مقدم زبانی جهان بیجان بر جادان متقدم است و بر آنست که جهان جاندار از درون جهان بیجان نشاءت کرده، پس ابتدا نقش برای امور روحانی و عقلی و فرهنگی قائل نیست، بهتان مبتذل کمپانیست کازل زمان مارکسیسم وسیله دشمنان آموزش وی مطرح شد و دانشا بوسله او انگلس و لنین به‌شدت ردد شد.

فلاسه‌مثنای ما هم به «قدم ماده» مستعد بودند، ولی این یعنی نفخ آنها از اهمیت منویات نبود. خواجمنیر -

روزنامه «جمهوری اسلامی» در تاریخ اول اردیبهشت ماه ۱۳۶۰، مقاله‌ای در صفحه اول خود نوشت تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» در ابتدای مقاله از جمله این جملات را می‌خوانیم: «مارکسیسم با مجموعه در ایران و جهان، چیزی را بنام انقلاب فرهنگی قبول ندارد. علاوه بر این، تجربه انقلاب فرهنگی مائوئیستی در چین، پیش ازینها، ذهن قافیه‌پرداز و قالی مارکسیستها را بر این اندیشه جزم کرده است که انقلاب فرهنگی در خارج عینیت نخواهد یافت. اما پیش از آنکه تصدیقات انعام‌های دارو دسته چهار نفری، زیر عنوان انقلاب فرهنگی در چین، دخیل اصلی پروژین نوع تفکر در مارکسیسم باشد (؟) اصولا جهان بینی و فلسفه تاریخی مارکسیسم، بصورتی است که ثمره طبیعی و معمولی آن، همیگونه عقاید و راه است!»

بنیال این مطالب عجیب تری می‌آید، حاکی از آنست که چون مارکسیسم جهان بینی «الحاد» و «ماده‌گرا» است، لذا «اندیشه و تفکر و عقاید را تا بی از تکامل و پیشرفت مواد میدانند» و بنا بر این در این دیدگاه امکان عینیت انقلابی بنام انقلاب فرهنگی موجود نیست!

کسیما برخی‌ها هر وقت نوبت به مارکسیسم می‌رسد، گویا این بیت مولانا جلال الدین مولوی را شعار خود قرار می‌دهند: «هیج آدابی و تزیینی محوی هر چه می‌خواهد دل تنگت بگوی ولی برخلاف تصور این افراد، که عادتت باید ناشی از عدم علاقه‌ت به بررسی مباحی باشد که از آرا بی این شدت و سختی خوشتر است که آند و تا به بر خورد بدون مسئولیت آنجاست در منازقات و مباحثات با مخالفان فکری، اتفاقا مارکسیسم درست آن جهان بینی است که مسئله «انقلاب فرهنگی» را در کار انقلاب‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نخستین بار مطرح ساخته و آنرا از لایفنگ و ضرور نو سازی نظام اجتماعی دانست. مادر این باره هم در خود «نامه مردم» و هم در ضمیمه تئوریک آن (شماره پنجم «دنیای» سال ۱۳۵۹، صفحه ۶۹) توضیح مفصل داده‌ام. ولی بنظر می‌رسد که «ردکنندگان مارکسیسم» آنرا خوانده‌اند و ظاهرا احتیاجی هم احساس نمی‌کنند که مارکسیسم را در سبب آن بررسی کنند، مگر اگر آن مطالب را خوانده بودند و از نظر وسیع و نقشه‌های همه جانبه مارکسیست‌ها «درباره» «انقلاب فرهنگی» خبر می‌داشتند، شاید مسائل را به‌مدت اطلاعات «بولواری» و «هیجان انگیز» روزنامه‌ها درباره «باند چهار نفره» و انقلاب فرهنگی قلابی مائو (که بعدش تهاشکوب فرهنگ را خرد می‌بود) تنزل نمی‌دادند و طرف احدی تری - گرفتند و او را آنقدر ابله و مبتذل نمی‌پنداشتند.

بسیار خوب! میل شامت! ولی یک چیز مسلم است: اگر مطلقا متضمن حقیقت باشد، مسکوت گذاشتن و پامخ کردن خود سرانه‌اش در طول مدت اثری ندارد و پرتوهای خورشید از ضخیم ترین آبهای ابرسها، با انوار ثابت خویش می‌گذرند. لنین «انقلاب فرهنگی» را یکی از شرایط اساسی ساختن جامعه نوین - سوسیالیستی میدان (رجوع کنید به کلیات لنین، جلد ۳۳، صفحه ۲۳۵) و نیز می‌نویسد: «همه دستاوردهای فرهنگ باید در دسترس همگان قرار گیرد و از این پس هرگز خرد و تنوع انسانی نباید بوسله ستفکری‌ها بر مگرش بدل شود.» (کلیات آثار - جلد ۲۶، صفحه ۲۳۶).

لنین در قبال کسانی که فرهنگ را بولتری «قالبی» متضمن نفی و خوار داشتن آثار فرهنگی گذشتگان اختراع کرده‌اند، می‌نویسد: «نه فرهنگ پرولتری «من» در آوردی، بلکه قبول بهترین نمونه‌های سن و نتایج فرهنگ موجود انسانی،

## حفظ امنیت دانشگاه‌ها را به دانشجویان و دانشگاهیان مؤمن به انقلاب بسپارید

پرو و چپ‌ها برای ایجاد تشنج و درگیری قرار خواهد گرفت و در نتیجه نقض غرض خواهد بود. بنظر ما، تنها راه مدبرانه، واگذاری حفظ نظم دانشگاه به دانشجویان و دانشگاهیان انقلابی و مؤمن به انقلاب است.

چنانکه قبلا نیز یاد آورده‌ام، میتوان در آستانه بازگشایی دانشگاه‌ها گروهی از نمایندگان گروه‌های مختلف دانشجویی و دانشگاهی و قادر به انقلاب تشکیل داد. این مجمع بزرگ برای خنثی ساختن فعالیت‌های ویرانگرانه گروه‌های تفرقه‌تویز، تداومی خواهد داشت و با تصویب ضوابط و مقررات، و از جمله آئین نامه انضباطی و انتخاب شورای نمایندگان گروه‌های مختلف دانشجویی و دانشگاهی با حفظ نظم و آرامش رادر محیط دانشگاه‌ها بر عهده این هیئت منتخب خواهد گذاشت. شورای نمایندگان با اجرای مقررات مصوب کنکره، که مورد پشتیبانی اکثریت قاطع دانشجویان و دانشگاهیان خواهد بود، بخوبی قادر به جلوگیری از اجرای نقشه‌ها و توطئه‌های ضد انقلاب و تحریکات راست افکشی‌ها، خرابکاری‌های گروه‌های راست افراطی، چپ‌رو و چپ‌نما خواهد بود.

دانشگاه‌ها به‌توانمندی از سنت‌های درخشان مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع چپ‌ی از سترهای دفاع از انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران در برابر دیسه‌های امپریالیسم، سرکردگی امریکاست. توطئه‌های تنگن گروک‌های ضد انقلابی و مزاحف هرگز قادر نیست دانشگاهیان را از دفاع از انقلاب و جمهوری منصرف سازد. رویدادهای یکسال اخیر در استان هارود بر مبنای اثبات کرده است که اگر نیروهای انقلابی و مردمی هشدار می‌دهند، ضد انقلاب هیچ فطلی نمی‌تواند بکند. امپریالیسم و ضد انقلاب کوشیدند عرصه مدارس را به میدان تاخت و ساز گروک‌های آشوب و دستخوش بدل سازند. ولی علیرغم همه دستخوش شدن، دانش‌آموزان مؤمن به انقلاب، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و مسلکی و مذهبی، همراه با مربیان و آموزگاران مؤمن به انقلاب، توانستند این توطئه‌ها را عقیم گذارند و نظم و آرامش را در مدارس مستقر سازند. اگر نوجوانان دانش‌آموز، که کم تجربه‌تر و جوان تر هستند، خود قادر به حفظ نظم انقلابی در مدارس شدند، دلیل ندارد که دانشجویان و دانشگاهیان متحرب توان مقابله با ضد انقلاب را نداشته باشند.

باید باور داشت که اگر حفظ نظم و آرامش دانشگاه‌ها با شیوه‌های مختلف به گروه‌های متحد دانشجویان و دانشگاهیان مؤمن به انقلاب سپرده شود، گروک‌ها هیچ کاری از پیش نخواهند برد، زیرا صف متحد دانشجو و دانشگاهیان انقلابی، سربو است. همین در برابر هرگونه آشوب و تفرقه‌تویزی، باید به دانشجویان و دانشگاهیان انقلابی اطمینان کرد، آنان را صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی زیر یک پرچم، یک «شماره» هدف، که همسنگی و اتحاد در مقابله با ضد انقلاب و پاسداری از دستاوردهای انقلاب است، گرد آورد و برقراره‌های آرامش انقلابی را در دانشگاه‌ها و آنان سپرد. آنهایی تردید پیروز خواهند شد.

به توفیق ما مام خمینی، قرار است دانشگاه‌ها و چپ‌نما آن رشته‌هایی که در درجه اول مورد نیاز مملکت هستند، کار خود را در زمانی هر چه کوتاه‌تر آغاز کنند. از ماضی «سید» های جنی و فریدی اغماض «سید» انقلاب فرهنگی» با رسانه‌های گروهی نیز چنین مشهود است که حداقل چند دانشگاه در آغاز سال تحصیلی گشایش خواهند یافت.

دانشگاه‌ها زمانی تعطیل شدند که تحریکات از جانب گروه‌های راست افراطی، چپ‌رو و چپ‌نما - موسسات آموزشی را به عرصه درگیری و روبرویی گروه‌های مختلف بدل کرده بود. و اکنون که صحبت از بازگشایی مجدد دانشگاه‌هاست، باز همان تحریکات از جانب گروه‌های راست افراطی، چپ‌رو و چپ‌نما آغاز شده است و بیم آنست که همین نیروها، همراه با انگیزه‌های ویژه خویش، فضای دانشگاه‌ها را متشنج کنند و مانع از آموزش و فراگیری درجوی آرام شوند.

رویدادهایی که چندی پیش در تهران، به‌مداهستی سالگرد تعطیل دانشگاه‌ها به‌وقوع پیوست و با کمال تاسف منجر به کشتن سمنفر و زخمی شدن دهها نفر شد، نشان میدهند که بازگشایی دانشگاه‌ها می‌تواند از جانب گروه‌های راست افراطی، چپ‌رو و چپ‌نما، بهانه دیگری و جامعه آفرین باشد. ضد انقلاب سازمان یافته، ساواکی‌ها، مائوئیست‌های آمریکائی و گروک‌های هرزادان، همراه با لیب‌الهای وطنی نمی‌خواهند کشور آرام گیرد. برای آنها هر اتفاقی است و غیر سراسر برای ایجاد تشنج و دامن زدن به جو آشوب، تا زمینه را برای تحقق نقشه‌های سراندرازی امپریالیسم آمریکا آماده سازند. از سوی دیگر، گروه‌های انحصارگر و قشری نیز بجای آنکه مقابله با اقدامات گروک‌های ضد انقلابی و نیروهای تفرقه و تفریق راه عهده مقامات مسئول بگذارند خود را در هر که میشوند در نتیجه کار به زد و خورد می‌کشند. «رخه» ضد انقلاب و ساواکی‌ها در میان این گروه‌ها کاملاً مشهود است. زیرا خواست ضد انقلاب فتنه‌انگیزی و آشوبگری است و این هدف باید راز بر هر نقاب و هر لباسی دنبال می‌کند.

باید گشایی دانشگاه‌ها مسلماً ضد انقلاب سازمان یافته، ساواکی‌ها، گروک‌های مائوئیستی آمریکائی و نیز عناصر وابسته به لیب‌ال‌ها و مخالفان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران خواهند کوشید تا مانع از استقرار نظم و آرامش انقلابی در دانشگاه‌ها شوند و زمینه‌های تشنج و درگیری را فراهم کنند.

ناید چنین پنداشت که میتوان به کمک نیروهای مسلح نظم انقلابی را در دانشگاه‌ها مستقر ساخت. نباید گمان برد که میتوان با توسل به زور، گروک‌های ضد انقلابی را در دانشگاه مسلح و متکوب ساخت. در دانشگاه‌ها نیز هم مسلح و توسل به زور ضد انقلاب و گروه‌های راست افراطی،



## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران، در جبهه متحد خلق!

درحاشیه جشن اول ماده

الگوی کار مدیران انقلابی:

تجهیز همه نیروها برای دفاع از انقلاب، تلاش در جهت افزایش تولید

هیات مدیره شرکت خدمات پارس، طی نامه‌ای اول ماه مه، روز هفتمی بین‌المللی کارگران و زحمتکشان جهان را به کارکنان این شرکت تبریک گفته است. در پیام هیات مدیره شرکت خدمات پارس، ضمن تأکید بر این که "کارگران گلوی رژیم سلطنتی را فشرده و به زیاده‌داری تازی بخش سپردند"، آمده است که کارکنان: "امروز نیز ستون فقرات نیروهای را تشکیل می‌دهند که برای تثبیت و تعمیق انقلاب پرشکوه اسلامی ایران به رهبری امام خمینی بمنفع کوشش نشینان نبند می‌کنند. در پایان این پیام، هیات مدیره اظهار امیدواری کرده‌است که روزگارگر امسال، سزاوارتر رهبر بزرگ انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی باشد. سال پیروزی جمهوری جوان اسلامی ایران بر شیطان بزرگ و سگ‌هاوش صدام

از گفتگوی خبرنگاران «نامه مردم»

با کارگران و زحمتکشان

استاد ولی، مکانیک تعمیرگاه جنرال (بندر عباس): دوباره انقلاب

"انقلاب هنوز تمام نشده. باید آمریکا را بیرون کنیم و در سطح جهان افشایش کنیم. از توطئه‌ها نباید ترسید. ضد انقلاب سعی می‌کند از اشتباهات ریز و درشت ماسه استفاده کند و بر سر راه ماست. اندازی کند. فقط با حفظ اتحاد علمای آمریکا، همه متشکلهای دشمن خنثی می‌شود. گران فروش و متحرک و سرمایه داران بزرگ غارتگر پایه‌های محکم ضد انقلابند. باید با قاطعیت جبهه آنان را درهم شکست. دوباره متولید

"تولید باید افزایش یابد. برای بالا بردن تولید باید کارخانه‌ها و شرکت‌های خصوصی هر چه بیشتر ملی شوند. کارگران هم باید لگرمی کار کنند. البته دولت نسبت به یکسال قبل خیلی قاطع تر شده‌است. ولی باید بازگشتی خارجی را هم سریع ترمیمی کرد و کمبودهای گران را از میان برد. دوباره جنگ تعمیلی

"تولید باید افزایش یابد. برای بالا بردن تولید باید کارخانه‌ها و شرکت‌های خصوصی هر چه بیشتر ملی شوند. کارگران هم باید لگرمی کار کنند. البته دولت نسبت به یکسال قبل خیلی قاطع تر شده‌است. ولی باید بازگشتی خارجی را هم سریع ترمیمی کرد و کمبودهای گران را از میان برد. دوباره جنگ تعمیلی

"معلوم است که جنگ را آمریکا برنامه ریزی کرده‌است. همه باید از وطن انقلابی خود دفاع کنیم. اگر در جبهه

"آمریکایی خواهد بود. سوسیال انقلاب مارا شکست دهد. ما با اتحاد دو بام کردن توهمات خود و توجه به کمبودهای فعلی و ضرورت تحمل و شکیبایی، در این جنگ پیروزی شویم

پیروزی شویم

شرکت «پرسیز یون» را از حالت رکود بدر آورید!

ببخشد. این مسئله مورد اعتراض استاندار، فرمانداری و مرکز گسترش قرار گرفت و به همین جهت از طرف استاندار مدیریت جدیدی برای شرکت در نظر گرفته شد. اعضا و مدیریت جدید، چون قیلا در مراکز گسترش استان فعالیت می‌کنند، تصمیم دارند که ارتباط شرکت را با مرکز گسترش محکم‌تر کنند و گروه‌های مشغول بکار را اجباراً برای ثبت رسمی به مرکز گسترش اعزام دارند.

کارگاههای تولیدی

۱- کارگاه بلوک‌زنی: این کارگاه، یکی از کارگاههای تدارکاتی است که با حدود سی و سه نفر پرسنل استخدامی مشغول بکار است. در این کارگاه روزانه بطور متوسط ده هزار قالب بلوک به ضخامت‌های ۱۵ و ۱۰ سانتیمتری تولید می‌شود. مصالح مصرفی آن شن ریزوماسه و سیمان است و بعلت در اختیار داشتن سنگ شکن و سیمان، کمبودی در مورد مواد اولیه وجود ندارد. کارگاه بلوک‌زنی می‌تواند در صورت تامین آب مصرفی، تولید روزانه خود را تا ۲۵ الی ۳۰ هزار بلوک افزایش دهد. نکته قابل توجه این که مقدار بلوک تولیدی این کارگاه، با توجه به پرسنل موجود و در اختیار داشتن مصالح نظیر هزینه در حد متوسط قرار دارد. بنا بر این پیمانی کردن کارگاه هیچگونه امتیازی برای شرکت در پی نداشته‌است.

۲- کارگاه سنگ شکن: در حال حاضر این کارگاه با ظرفیت محدود مشغول بکار است و می‌تواند با احتیاجات روزانه تامین کند. دو کارگاه سنگ شکن شرکت، یکی در مسجد سلیمان و دیگری در شوشتر قرار دارند، که دومی به‌تازگی شش رودخانه‌های برای کارگاه تهیه می‌کنند و پرسنل آن نیز، که قبلاً در جبهه سازندگی شوشتر کار می‌کردند، استخدامی هستند.

۳- کارگاه آکسیژن: این کارگاه احتیاج به پرسنل زیادی ندارد و تولید روزانه آن حدود یکصد و پنجاه کیلوگرم است، که با توجه به شرایط مناطق جنگی، در سطح استان از اهمیت زیادی برخوردار بود، که متأسفانه بر اثر انفجار بکلی از بین رفت.

۴- کارخانه آسفالت: این کارخانه ظرفیتی در حدود یکصد و پنجاه تن در ساعت دارد. متأسفانه پس از پیروزی انقلاب، بعلت کمبودن شخصی بی‌اطلاعی در راس کارخانه و دستکاری در دستگاه تمام اتوماتیک، عملاً کارخانه از کار افتاده‌است و افراد جدیدی هم که عهد دارند زاهدانندازی کارخانه شده‌اند، نمی‌توانند کاری انجام دهند.

۵- کارگاه موزائیک‌سازی: این کارگاه اخیراً کار خود را از سر گرفته‌است و در حال حاضر روزانه حدود هزار و هفتصد قالب موزائیک فرنگی ۳۰×۳۰ تولید می‌کند. این کارگاه می‌تواند، در صورت احتیاج، ظرفیت خود را تا سطح روزانه پنج هزار قالب موزائیک،

پیروژه هوانیروز مسجد سلیمان شامل پایگاه و منازل مسکونی هوانیروز و تاسیسات جنبی، از قبیل تصفیه‌خانه گدارلندر و منابع آب و چند ساختمان جنبی است. انجام کارهای مربوط به این پیروژه در سال ۱۳۵۴ به یک شرکت خصوصی ساختمانی بنام "پرسیز یون" واگذار شد. پس از پیروزی انقلاب، مدیرعامل و سهامداران شرکت متواری شدند و از طرف دولت وقت یک نفر مدیرعامل عهده‌دار امور شرکت شد. این شرکت برای انجام کارهای خود از اداره مهندسی ارتش - مجری طرح - تقاضای اعتبار مالی کرد، ولی باین خواست شروع شرکت مخالفت شد. این مسئله باعث شد که شرکت نتواند به حیات خود ادامه دهد. در ضمن وضع شورای کارکنان هم، که در عملکردهای خود دچار اشتباهاتی شده بود، مزید بر علت شد و با تعطیل شدن کارگاه، حدود هزار و هفتصد نفر از کارگران و کارکنان شاغل آن بیکار شدند.

پس از تعطیل شدن کارگاه، استانداری خوزستان عهده‌دار امور شرکت شد و با تأمین اعتبارات لازم، کارگاه را از نو بر راه انداخت. با شروع جنگ، در کارخانه اندازی کارگاهها دوام و وقفه ایجاد شد، ولی مجدداً برخی از کارگاههای تولیدی نظیر بلوک‌زنی کار خود را از سر گرفتند. در همین زمان کارگاههای ساختمانی ابتدا با کارگران روز مزد و سپس با جمع‌آوری کارگران متخصص و ساده در گروه‌های تعاونی، بصورت مقاطع‌کار جزء کارگاهها بدینال هم شروع بکار کردند. شروع کار با روش جدید و با سرعت بیشتری نسبت به سال قبل ادامه یافت. متأسفانه عدم کارایی گروه‌ها، که صرفاً "بخاطر بیکاری و نیاز مالی شدید شروع بکار کرده بودند، در آخر ماه از نظر تناسب بین درآمد حاصل از کارکرد و حقوق دریافتی آنان مشکلی ایجاد کرد. برخی از گروه‌ها، که اولاً با شیوه پیمانکاری آشنایی نداشتند و در این جریان ضرری متوجه آنان شده بود، از ادامه کار دل‌سرد شدند. البته مدیریت پیروژه با افزایش قیمت‌ها سعی کرد تا اندازه‌ای این ضرر را جبران کند، ولی باز هم مسئله ضرر گروه‌ها به قوت خود باقی است.

در جوار کار گروه‌های تعاونی، تعدادی پرسنل هم بصورت استخدامی وجود دارند که کارهای مربوط به تدارکات و خدمات کارگاهها و نیز امور مربوط به حفاظت را انجام می‌دهند. بعنوان نمونه می‌توان از کارگاه بلوک‌زنی، که یک کارگاه تدارکاتی است، و همچنین از کارگاههای سنگ شکن و تعمیرگاه نام برد. مدیریت پیروژه، که از جانب استانداری به‌اینگرام منصوب شده بود، مسئله از جمع کار گروه‌های تعاونی، را که می‌بایست از طرف مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی معرفی شده باشند، نادیده گرفت. او در مقابل سعی کرد که با بهره‌گیری از افراد خارجی از شرکت، از سویی کارگران خارجی را راضی کند و از سویی دیگر با انجام کار بصورت پیمانی، بکار سرعت بیشتری

دارد. از طرف دیگر، در شرایطی که مبین مایه ذخیره مواد غذایی، بویژه کنجد، نیاز دارد، باید طرح تکمیل سیلوهای کشور را بیکیتر دنبال کرد. بر عهده مسئولین و مقامات مربوطه است که در زمینه پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران اقدام کنند، و با توجه به مسئله مدیریت و راه‌اندازی کارگاهها، اجازه ندهند که کارگران بیکار شوند، طرح‌ها ناتمام و ناقص باقی بماند و بلا تکلیفی جای برنامه‌ریزی جامع را، که از ضروریات انقلاب است، بگیرد.

گروه‌های تعاونی و مشکلات آنها:

اصولاً در گروه‌های موجود تعداد افراد بسیار کم است و تنوع در زمینه‌ها و مهارت‌ها کم است و تنوع در زمینه‌ها و مهارت‌ها کم است و تنوع در زمینه‌ها و مهارت‌ها کم است. ماه ضربه می‌کنند، چون با این شیوه کار کردن آشنایی ندارند، هنگام دریافت حقوق خود، که کمتر از حد متعارف است - مسئولین کارگاهها را مسئول کم بودن حقوق خود می‌دانند. همین مسئله مدیریت شرکت را بر آن داشته‌است که مراحل را در بکار گرفتن گروه‌های طرح و گسترش، که افراد دیپلمه هم در میان آنها وجود دارند، بماندند. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا یک نفر دیپلمه نمی‌تواند با به عهده گرفتن حسابداری گروه، امور مربوط به پرداخت صورت وضع کارگران را انجام دهد؟ مشکل مهم دیگر گروه‌ها عدم سازش افراد در گروه‌هاست، که دائماً منجر به تقسیم آنها به دو گروه مجزا می‌شود و دائماً در بین گروه‌ها بر سر دستمزدها درگیری وجود دارد.

بیم کارگران گروه‌های تعاونی شرکت از سر نوشت نامعلوم خود از طرفی و سردرگمی که تا بحال مسئولین به آن دچار بوده‌اند، از طرف دیگر، موجب بی‌نظمی در کارهای شرکت شده‌است. بی‌شک اگر کار شرکت بر همین منوال پیش رود، شرکت با مشکلات به مراتب سخت‌تری روبرو خواهد شد. عدم انضباط در کارها باعث ضعف مدیریت در اداره امور، عدم برنامه ریزی دقیق و بی‌توجهی به خواست‌های برخی کارگران، از دلایل عمده رکود در کار شرکت پرسیزیون است.

در شرایط حساس کنونی، که به‌شک از هر زمان نیاز به تأمین خودکفایی احساس می‌شود، می‌توان با کم کردن افرادی دلسوز و متعصبه انقلاب، با برطرف کردن نقایص موجود، همکار-گاه‌های شرکت پرسیزیون را در خدمت به امر انقلاب به فعالیت، هر چه بیشتر واداشت.

توضیح و تصحیح

شده است، که برابر بخش نامه رئیس خدمات مالی و عضو علی‌البدل هیات سرپرستان شرکت ملی نفت تحت عنوان "مصوبه شماره ۱۶۰ هیات سرپرستان بیان دقیق آن به شرح زیر است: "شش درصد پیمان‌انداز سهم شرکت برای سال ۶۰ و شش ماه دوم سال ۱۳۵۹، که پرداخت نگردیده، در بودجه سال ۶۰ منظور گردد.

در ارتباط با درج خبری تحت عنوان "هشایاری کارکنان خطوط لوله مخازن شاهرود" در "نامه مردم"، مورخ ۵۹/۱۲/۲۶، تصحیح زیر ضروری است. در خبر، "حدف سهم کارفرما از بابت پیمان‌انداز کارگران و کارمندان" یعنی سهم‌هایی که به میزان ۶٪ از حقوق کارکنان، از طرف شرکت نفت به پس-انداز آنان اختصاص داده می‌شد، مطرح

طلقه کارگر ایران، در افزایش تولید، تویمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

تعطیل کردن طرح‌های ناتمام و بیکار کردن کارگران، بزبان میهن انقلابی و بسود دشمنان انقلاب است

بدهتال مشکلاتی که در کارگاه سیلوئی پاکستان در ۶۰/۱۲/۲۶ بروز کرد و خبر آن در شماره ۴۹۳ "نامه مردم" درج شد، سازمان غله کشور (کارفرمای این پیروژه) در تاریخ ۶۰/۲/۸ تصمیم گرفت که این کارگاه و کارگاههای دیگر شرکت "آر. جی. اس" را، که مقاطع‌کار این طرح بود، تعطیل کند. تعطیل شدن این مسئله در تاسکستان منجر به بیکار شدن صد و هفتاد تن از کارگران

### توطئه فئودالها و بزرگ مالکان در روستای کیکانلو و روستاهای اطراف، فقط با اجرای بند «ج» خنثی میشود

در منطقه لاجان که دهقانان خنثی شد. این فئودالها و بزرگ مالکان، به همراهی همان فئودالی که تمام مملکت را زیر گردن دهقان شترآبادی است، باند تشکیل دادند و علیه هیئت هفت نفری و دهقانان زحمتکش فعالیت شدید می کنند.

چادار درک مقامات مسئول با اجرای بند "ج" و بند "د"، کله هاراضی با پرو دادر بزرگ مالکان را مشغول قرار دهند. و هر چه سریعتر به مالکیت دهقانان روی زمینهای این غارتگران زورگرنه قانونی و رسمی بکشند و با اتخاذ تدابیر جدی جلوی توطئه های آنها را بگیرند. در همان توطئه باید عناصری را که در پاسگاه نفوذ کرده اند و از این طریق به بزرگ مالکان ضد انقلابی پیاری می رسانند، شناسایی و پاکسازی کرد.

لازم است دهقانان بی زمین و کم زمین نیز اتحاد خود را با دهقانان خرد مالک حفظ کنند و چون تن واحد توطئه های گسترده بزرگ مالکان را خنثی کنند.

تراکتوردارهای منطقه را تهدید کردند که برای شخم زدن سر زمینها نروند. متأسفانه وجود عناصری در پاسگاه منطقه باعث شده فئودالها و بزرگ مالکان غارتگر موفق به جلوگیری از کشت دهقانان شوند. زمانیکه بر اثر سرداد خواهی دهقانان ستم دیده، هیئت هفت نفری به روستا آمد، یکی از فئودالها، که در جمع روستائیان حضور داشت، برای آنکه بخیال خود به آنها توهین کند آنها را "حمال" خطاب کرد. یکی از دهقانان در پاسخ او گفت:

**"بله ما حمال هستیم، برای اینکه سالیانه زحمت ۱۰۰ تن گندم و ۴۰ تن پنبه و جالیز تو را بایشتمان تحمل می کنیم!"**

سرانجام دهقانان موفق شدند، با کمک هیئت هفت نفری، زمینها را کشت کنند، اما فئودالها و بزرگ مالکان دست از توطئه برنداشتن. آنها عده ای از افراد ناگاه را طمع کردند و آنها را مسلح ساختند، تا با همکاری ضد انقلابیون مسلح اطراف شیروان، باوایی

فئودالها و بزرگ مالکان روستای کیکانلو از توابع بخش مانه و در ۴۸ کیلومتری شهرستان بجنورد، فعالیت های خود را علیه دهقانان زحمتکش تشدید کرده اند و از کشت آنان جلوگیری می کنند.

این بزرگ مالکان ۲ نفر هستند. جمعیت این روستا در حدود ۱۲ خانوار است و بیشتر آنان (۵۰ درصد) خرد مالکند. در حدود ۲۰ الی ۳۰ خانوار کارگر شهری و تعدادی هم کارگر فصلی در روستا زندگی می کنند. دهقانان زحمت کش این روستا در مهرماه سال گذشته، هنگام کشت پاشیزه، با بدردست داشتن عسکرهایی از امام خمینی و آیت الله منتظری، به سرزمین های بزرگ مالکان و فئودالهای منطقه رفتند و زمین ها را کشت کردند. هیئت هفت نفری منطقه نیز از دهقانان پشتیبانی کرد. این عمل مورد تأیید دهقانان روستای کوشکی نیز قرار گرفت و آنها زمین های یکی از این فئودالها را نیز برکشت بردند.

**فئودالها و بزرگ مالکان،**

**ویژه مهمترین مسئله روستاهای ما**

مهم ترین مسئله روستاهای ما در فئودالیسم است. مسئله زمین است. فئودالیسم یعنی مالکیت زمین ها به دست فئودالها و بزرگ مالکان است. فئودالیسم یعنی مالکیت زمین ها به دست فئودالها و بزرگ مالکان است. فئودالیسم یعنی مالکیت زمین ها به دست فئودالها و بزرگ مالکان است.

### طومار دهقانان زحمتکش روستاهای ایلوار و چهارده در حمایت از اجرای هر چه سریعتر بند «ج»

زحمتکشان بهر آورده می آورند و جلوی کشت مادهقان کم زمین و بی زمین سیستانی ساکن سرزمین ایلوار و چهارده اکنون گذشتار اینکه حاضریم در جنبه نبرد علیه شیطان بزرگ و صدام مزدور شرکت کنیم بلکه باید با کار و تولید بیشتر پشت جبهه را تقویت نمائیم تا بر شیطان بزرگ و نوکرانش پیروز گردیم.

بهمین خاطر ما خواستار آنیم که قانون اصلاحات ارضی بخصوص بند "ج" آن که با تأیید امام، توسط فقهای عالیقدر آیت... منتظری، آیت... مشکینی، آیت... بهشتی تهیه شده و شورای انقلاب هم آنرا تصویب نموده هر چه زودتر اجرا شود تا دست بزرگ مالکان این کارشکنان پیشرفت انقلاب و پیروزی بر شیطان بزرگ و صدام مزدور از روستاهای میهن ما کوتاه شود.

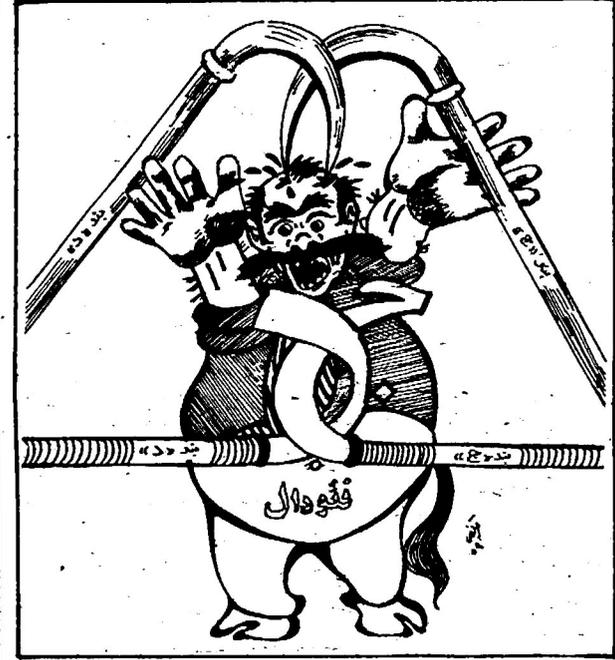
روزنوش: ۱- دفتر امام ۲- دفتر آیت... منتظری ۳- مجلس شورای اسلامی ۴- دفتر نخست وزیر ۵- هیئت هفت نفره گرگان ۶- جراباد محل اعضاء زارمین سیستانی ساکن سرزمین های قرا ایلوار و چهارده"

سبل طومارهای دهقانان زحمتکش جهت اجرای هر چه سریع تر بند "ج" قانون اصلاحات ارضی، همچنان ادامه دارد. اینبار دهقانان روستاهای ایلوار و چهارده (اطراف گرگان) طوماری تهیه کرده اند و برای مقامات مسئول مملکتی ارسال داشته اند، که در زیر متن آنرا می خوانید و کلیشه آنرا هم می بینید:

**بسم تعالی**

ما مالکین و سرمایه داران بزرگ را بهای میزحاکه می کشیم. آنها حقوق کارگران و رعایا را برده اند. بدین جهت مالک کارخانه ها و زمین های خود نمی باشند. "امام خمینی"

پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی، مزدهر زندگی بیشتر را به محرومان و مستضعفان جامعه داد. ما دهقانان در ریزم گذشته محرومیت های زیادی را تحمل شدیم. بخاطر همین هم هست که از این انقلاب با تمام وجودمان دفاع کرده و خواهیم کرد. ما خوبی می دانیم که هدف شیطان بزرگ و نوکرش صدام اینست که از پیشرفت انقلاب و ثمرات ارزنده ای که برای مادهقانان و



شیطان دها (فئودال) را در بند «ج» و «د» اسیر کنیم

کوبند: "بزرگ فئودال ما را تهدید بکنستن کرد ما ست"

حال دهقانان زحمتکش آق مزار خواستار اجرای فوری بند "ج" طرح واگذاری زمین اند.

دهقانان کوخشن، که دارای سهم عظیمی در تحکیم پشت جبهه نبرد علیه رژیم صدام هستند، حق مسلم خود می دانند که زمین های بزرگ مالکها و لگنر به آنها واگذار گردد. باید هر چه زودتر این خواست آنها را با اجرای کامل طرح واگذاری زمین، برآورد ساخت.

دادگاه انقلاب شکایت بردند. آنها می کوبند: "هیئت ۷ نفری برای تحقیق به این محل آمدند، ولی برای بار دوم هرگز نیامدند خبر بگیرند"

دهقانان زحمتکش آق مزار بارها به دادگاه انقلاب شکایت بردند و از نهادهای انقلابی شهرستان بجنورد استمداد طلبیدند، ولی تاکنون به داد آنها رسیدگی نشده است.

پس از توهین بند "ج" طرح واگذاری زمین، بزرگ مالک با گستاخی بیشتری علیه دهقانان زحمتکش آق مزار توطئه می کند. دهقانان رنج کشیده روستایی -

### خواستار کوخ نشینان «آق مزار» بجنورد، طرح واگذاری کامل زمین است

روستای آق مزار، از توابع بخش مانه، (۶۲ کیلومتری بجنورد) دارای جمعیتی حدود ۱۵۰ خانوار است. از این جمعیت در حدود ۴۰ درصد را بی زمین ها و کم زمین ها تشکیل می دهند. بزرگ مالک ده دارای ۲۰ هکتار زمین است و یک کارخانه نیمه مکانیکی نیز در شهر بجنورد دارد، که دسترنج دهقانان زحمتکش روستا را توسط سلف خری غارت می کند.

امکانات رفاهی روستا عبارتست از: مدرسه ابتدائی و حمام و مسجد و آب ولیمکشی ناقص. روستا دارای شورایی است که از طرف جهاد سازندگی بجنورد به رسمیت شناخته شده است.

محصولات عمده روستا گندم، جو و پنبه است. برای کشت پنبه ۵۸ دهقانان زحمتکش می خواستند زمین های ارباب را کشت کنند، ولی توسط پاسگاه منطقه از اینکار آنها جلوگیری شد. حتی تعدادی از دهقانان روستا، مبنی بر اینکه "به سرزمین های ارباب نروند"، توسط پاسگاه گرفته شد.

در موسم کشت پاشیزه ۵۹ روستائیان با شور و مشورت یکدیگر به

توانیم مصوبه جمهوری اسلامی و جلوی کیری از ریشه دار شدن و تعمیق انقلاب شکوهمندمان، مشغولند. فئودال های بی انصاف جسارت و بی شرمی را به عدی رسانده اند که عده ای از عناصر خائن به انقلاب را تحریک نموده اند و این بی انصافان با برخورد های مسلحانه با دهقانان مانع مسلمانان از توابع شهرستان بجنورد خون بیا کرده و هیئت ۷ نفری واگذاری زمین مستقر در بجنورد را تهدید به مرگ می نمایند. ای امام، ای روح مستضعفین و ای دولت فعال جمهوری اسلامی، ما دهقانان مانع مسلمانان توابع

### مادهقان هیئت هفت نفری بجنورد علیه فئودالها و بزرگ مالکان خنثی و دولت جمهوری اسلامی ایران خواستار اجرای بند «ج» شد

قوانین مصوبه جمهوری اسلامی و جلوی کیری از ریشه دار شدن و تعمیق انقلاب شکوهمندمان، مشغولند. فئودال های بی انصاف جسارت و بی شرمی را به عدی رسانده اند که عده ای از عناصر خائن به انقلاب را تحریک نموده اند و این بی انصافان با برخورد های مسلحانه با دهقانان مانع مسلمانان از توابع شهرستان بجنورد خون بیا کرده و هیئت ۷ نفری واگذاری زمین مستقر در بجنورد را تهدید به مرگ می نمایند. ای امام، ای روح مستضعفین و ای دولت فعال جمهوری اسلامی، ما دهقانان مانع مسلمانان توابع

آخرانما بندگان هیئت هفت نفری بجنورد در روستاهای مختلف بخش مانه و مسلمان طی نامه ای برای امام خمینی و دولت جمهوری اسلامی ایران، خواستار اجرای فوری بند "ج" قانون اصلاحات ارضی و کوتاه کردن دست بزرگ مالکان از جان و مال دهقانان زحمتکش شدند. در قسمتی از این نامه آمده است:

**با (کم) کار شدن هیئت ۷ نفری متوقف شدن بند "ج"، بزرگ مالکان و سرپرندگان قراری آنها مانند کارگاه ماند و دست از توطئه و خیانت بر نمی دارند و همچنان بیگانه شکنی و سنگ اندازی پیش پای دهقانان ستم دیده و خرابکاری در**

**امام خمینی:**

**حقوق مردم محروم، که عمری است مالکین و سرمایه داران بزرگ خورده اند، به محرومین باز پس داده می شود**

- ۱- اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی،
  - ۲- قراردادن روغن بطور مستقیم در اختیار مستضعفین روستایی،
  - ۳- جلوگیری از کار شکنی بیمانکار چغندر، که طرفدار بزرگ مالکان است،
  - ۴- رسیدگی به شکایات روستائیان.
- در ضمن نویسندگان نامه متذکر شده اند که نمایندگان قبلی هیئت ۷ نفری مورد قبول آنها هستند. قابل ذکر است که اعضای این هیئت، نمایندگان موقت هستند.
- ۹۹ نفر از دهقانان زحمتکش با اثر انگشت و امضای خود، محتویات نامه را تأیید کرده اند.

بجنورد ضمن پشتیبانی بی دریغ مان از انقلاب اسلامی و جنگ علیه امپریالیسم و مزدوران و دست نشاندهانشان (صدام کافر) و پشتیبانی از نهادهای انقلابی بوز هیئت ۷ نفری واگذاری زمین در بجنورد، از حضور با سعادت امام و دولت جمهوری اسلامی توقع داریم که ترتیبی داده تا هیئت های واگذاری هر چه زودتر

با قاطعیت قانون واگذاری زمین به دهقانان را مقرر فرموده تا اجرا کنند و ستم بزرگ مالکی را برانندازند.

در پایان، نمایندگان این هیئت خواستار امکانات زندگی و کشت برای دهقانان شده اند. خواستهای نمایندگان دهقانان به شرح ذیل است:

سپهر کمیته‌های بهداشت و درمان جهاد سازندگی، که به مدت سه روز از اول اردیبهشت ماه سال جاری در تالار ابن سینا دانشگاه تهران در جریان بود، با ارائه پیشنهادها سازنده‌ای در زمینه رسیدگی به وضع بهداشت و درمان جنگ‌زدگان، مناطق روستایی و... به کار خود پایان داد. در قطنامه این سمینار از جمله آمده است: "با توجه به اعلی بودن مسئله جنگ و جنگ‌زدگان، توجه مسئولان را به بهداشت و درمان مجروحین و آوارگان جنگی و بررسی وضع آن‌ها معطوف می‌داریم و خواستار بسیج نیروهای فعال ارگان‌ها در مناطق جنگی می‌باشیم و طرح مسائل انحرافی را محکوم می‌کنیم." (کپهان - ششم اردیبهشت ۵۹).

قطنامه همچنین نظر مسئولین

### به پیشنهادهای جهاد سازندگی در زمینه بهداشت و درمان توجه کنید

وزارت بهداشتی، سپاه پاسداران در همه استان‌ها نظارت بر بهداشت و درمان روستاها را بعهده گیرند. (همان‌جا).

قطنامه همچنین خواستار شرکت نماینده کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی در مدیریت و تشکیلات ستادی وزارت بهداشتی و سازمان‌های منطقه آن شده است.

قطنامه ضمن انتقاد از حاکمیت سبقت گذشته بر نظام بهداشتی، خواستار انتخابی بودن هیئت مدیره آن شده است.

را به لزوم گسترش خدمات پزشکی و درمانی در روستاها جلب و برنامه‌هایی در این ارتباط ارائه کرده است: "اولویت پیاده نمودن طرح شبکه‌های بهداشتی در مناطق محروم کشور در کنار مراکز خدمات روستایی، کمیته بهداشت و درمان جهاد سازندگی با توجه به نیاز مناطق محروم، بویژه استفاده از امکانات موجود، بویژه دانشکده بهداشت، سعی در تربیت نیروهای ثابت لازم، با اولویت نیروهای روستایی و بومی بنماست. پیشنهاد می‌شود شورای متشکل از نمایندگان جهاد سازندگی دانشگاهی،

گسترش خدمات پزشکی در مناطق محروم، از جمله پیشنهادها سازنده انجمن‌های بهداشت و درمان جهاد سازندگی است.

ما ضمن آرزوی موفقیت برای فعالیت‌ها و اقدامات آتی کمیته درمان و بهداشت جهاد سازندگی و دیگر بخش‌های آن، توجه مسئولین جمهوری

اسلامی ایران را به این پیشنهادها جلب می‌کنیم و از آنان می‌خواهیم که با استفاده از این پیشنهادها

همچنین طرح‌های سازمان‌ها و گروه‌های هوادار انقلاب، در جهت حل مشکلات بهداشتی ایران، که بخش اعظم آن میراث شوم نظام طاغوتی گذشته است، قدم‌های سازنده را بردارند.

### به وضع استخدامی دز! ستان چهارمحال بختیاری رسیدگی کنید

بیشتر مسئولین و مجریان دولتی در استان چهارمحال بختیاری بجای آنکه از افراد مصلی باشند، از اهالی اصفهان هستند. مسئولین امر برای علت این انتصابها دلایلی آورده‌اند که به هیچوجه با قنانون جمهوری اسلامی ایران مطابقت ندارد از سوی دیگر افراد مصلی شاغل در ادارات نیز تحت فشار قرار گرفته‌اند، که پست خود را ترک کنند. این امر در کنار نفوذ بعضی عوامل ضدانقلاب در ادارات شهر، معمولاً باعث نارضایتی مردم شده است.

ما از مقامات مسئول می‌خواهیم که از چنین اقدامات، که نه تنها مخالف با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، بلکه باعث نا رضایی مردم نیز می‌شود، جلوگیری کنند و اجازه ندهند که جو تشنج آشوب دیگری بوجود آید.

### به مشکل آب آشامیدنی غیر بهداشتی مردم سیستان رسیدگی کنید

این وضع در روستاها همراه بدتر است. همانطور که گفته شد، از حدود ۳۵۰ هزار جمعیت سیستان، حدود ۲۵۰ هزار نفر در بیش از ۶۰ روستا سکونت دارند. آب بیشتر این روستاها مستقیماً از نهر تاملین می‌شود، بدون آنکه هیچگونه مواد ضد عفونی به آن اضافه شود. تنها حدود پنج روستای منطقه دارای آب لوله کشی هستند، آبی که از کیفیت نا مطلوبی برخوردار است.

مردم زحمتکش و محروم این منطقه از مینمایان به علت وجود این میکروب‌ها در آب آشامیدنی شان، دچار انواع بیماری‌ها هستند و، به علت پایین بودن سطح بهداشت، باعث از این مشکل رنج می‌برند. گفته رئیس شبکه بهداشتی زابل در جلسه در روز مسئولین استان با نخست‌وزیر به خوبی این وضعیت را نشان می‌دهد:

"بعلت وضعیت بد بهداشت و آب آشامیدنی در منطقه، بیشتر مردم مبتلا به بیماری‌های رودهای هستند و بیشتر تخت‌های بیمارستان‌ها را اشغال کرده‌اند".

عوارض دیگر این مشکل را تا کنون در سطح منطقه بارها شاهد بوده‌ایم. از جمله در بهمن ماه سال ۵۸، بعلت بومی شدن بیماری حصه (که خود ناشی از وجود میکروب این بیماری در آب آشامیدنی است) در روستاهای اطراف کوه خواجه، ده لطف‌الله، قریه آزادی، ده کدخدای قیسر، ده

مردم سیستان و بخصوص اهالی زابل و روستا نشینان اطراف آن، از مشکل آب آشامیدنی غیر بهداشتی به شدت رنج می‌برند. آب آشامیدنی این زحمتکشان، که اکثراً در ۶۰۰ روستای این منطقه سکونت دارند، بطور عمده از آبی تاملین می‌شود که توسط شاخه‌های فرعی رودخانه هیرمند به منطقه می‌آید، آبی که می‌توان گفت تقریباً فاضلاب رودخانه هیرمند است و در مسیر خود مقدار زیادی گل و لای به همراه می‌آورد. از سوی دیگر، به علت سرباز بودن مسیر و عبور از روستاهای مختلف، فاضلاب این روستاها نیز در آب وارد می‌شود و در نتیجه میکروب بیماری‌های گوناگونی نظیر حصه، وبا، فلج اطفال، اسهال عفونی کودکان و غیره به وفور در آب روخانه یافت می‌شود. تصفیه‌خانه شهر زابل نیز، همان‌گونه که تا حال بارها گفته شده است، عملاً قابل استفاده نیست و در حال حاضر تنها به صورت یک تلمبه خانه کار می‌کند و تنها عملی که برای ضد عفونی کردن آب انجام می‌دهد، افزودن پرکلرین به آب است، گسه آن هم به علت گل‌آلود بودن بیش از حد آب رودخانه، تاثیر چندانی ندارد.

مسئولین اداره بهداشت زابل تاکنون در مورد غیر قابل آشامیدنی بودن آب شهر بارها سخن گفته‌اند. از مایه‌های فراوان نیز نشان داده‌اند که این آب در شکل کنونی صد درصد غیر قابل آشامیدن است.

### به مشکلات بیمارستان دکتر مصدق شهر کرد رسیدگی کنید!

بیمارستان دکتر مصدق شهرکرد به علت افزایش تعداد مراجعہ کنندگان و نارسایی‌های خدماتی برای درمان بیماری‌های مختلف در سطح منطقه، با مشکلات فراوانی روبروست.

نبودن تجهیزات و وسایل و امکانات کافی در بیمارستان، کمبود پزشک متخصص و تکنیسین‌های ورزیده، فقدان مدیریت صحیح در بخش‌های کلینیکی و پاراکلینیکی، کمی ظرفیت بیمارستان نسبت به تعداد بیماران، عدم توجه به مسائل رفاهی کارکنان و کادر زحمتکش بیمارستان و همچنین نبودن بهداشت کافی و هوای آلوده در محیط بیمارستان، از مشکلات اساسی این بیمارستان است.

ما از مقامات مسئول می‌طلبیم که هرچه زودتر با احداث یک بیمارستان مجهز در شهرکرد، با توجه به جمعیت این شهر، در جهت حل این مشکل اقدام کنند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

### معلمین مبارز سراب را به کار بازگردانید

۴۹ نفر از حلیمین سراب، که در سال گذشته پاکسازی شده بودند، بکار بازگشته بودند. در اواخر فروردین ماه سال جاری، بار دیگر بدون هیچ دلیلی، از کار اخراج شدند. اخراج این عده، که اکثراً از حلیمین انقلابی و مبارز و پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستند باعث تشنج در شهر و نارضایتی اهالی گشته است.

یکی از حلیمین اخراجی خطاب به رئیس آموزش و پرورش سراب، به درستی به هتدار اخیر امام خمینی در مورد توطئه ضدانقلاب، بویژه در آذربایجان، اشاره کرد و اخراج معلمین را در شرایط حساس کنونی، خلاف مصالح کشور و نقض صریح قانون خواند.

در این میان آنچه بیش از همه قابل تأمل است این است که، یکی از حلیمین پاکسازی شده بنام "لاهی مدتی است که برای مقابله با دشمنان متجاوز به جبهه جنگ رفته و در آنجا به اسارت دشمن درآمده است. این مسئله اعتراضی همگان را برانگیخته است. مردم سوال می‌کنند که: ظهور می‌شود یک سالم در دست دشمن اسیر باشد و او را از کار بکارت سازی کنند!

در ارتباط با این پاکسازی‌های غیرقانونی، به مدت دو روز دانش آموزان مدارس شهر از رفتن به سر کلاس خودداری کردند و حتی نزدیک بود کار به تظاهرات و راهپیمایی بکشد، که حلیمین اخراجی مانع از آن شدند.

ما ضمن جلب توجه مسئولین آموزش و پرورش به این امر، از آنان می‌خواهیم که با رسیدگی دقیق به این پاکسازی غیرقانونی، از حلیمین مبارز اعاده حیثیت شود و اعمال غیرقانونی مورد بررسی قرار گیرد.

### به وضع نابسامان آب دزفول رسیدگی کنید!

قطع آب لوله‌کشی دزفول بطور مرتب، موجب نارضایتی مردم این شهر شده است. در دزفول ۲ سازمان آب وجود دارد: یکی آبپاری دزفول که از قبل وجود داشته است و تقریباً ۵۰ درصد خانوادهای دزفولی مشترک آن هستند، و دیگری سازمان آب تصفیه دزفول، که از شش سال پیش در دزفول کار خود را به طور فعال آغاز کرده است.

مشکل اساسی این است که هر گاه برق شهر قطع شود، بلافاصله آب نیز برای مدت طولانی قطع می‌شود، و همچنین اگر آب رودخانه گل‌آلود شود و یا بالا و پایین برود، بر آب شهر اثر می‌گذارد و آن را قطع می‌کنند.

ما از مسئولین امر می‌طلبیم که هرچه زودتر در جهت فراهم آوردن زمینه حل این مشکل، به خواسته‌های بحق مردم دزفول رسیدگی کنند.

مهندس صفور و فراشادی، مردم به این بیماری مبتلا و تلفاتی هم متحمل شدند، و تنها کوشش مسئولین بهداشتی شهر از عمیق تر شدن فاجعه جلوگیری کرد.

با وجود اعلام مکرر این مشکلات تاکنون اقدام قطعی صورت نگرفته است، بطوری‌که رئیس شبکه بهداشتی در همان جلسه متذکر شد:

"حدود ۳ سال است که در رابطه با بهبود وضع آب آشامیدنی این منطقه بطور مرتب با مقامات مسئول مکاتباتی انجام گرفته که متأسفانه نتیجه‌ای نداشته است".

خوشبختانه نخست‌وزیر در این جلسه قول مساعد داد که در اسرع وقت به این مشکل رسیدگی شود. اینک با توجه به وضع ناگوار موجود و محدود بودن امکانات درمانی این منطقه و نیز با در نظر گرفتن این که بهبود وضع آب آشامیدنی می‌تواند تا حد قابل توجهی به کاهش بیماری‌ها باری رساند، لازم است که مقامات وزارت نیرو هرچه سریع‌تر برای این مشکل چاره‌اندیشی کنند. در همان حال باید با اقدامات ضروری کوتاه مدتی، نظیر افزودن یک حوضچه زنجرفی و چند حوضچه تصفیه‌شنی شبکه، به رفع موقتی‌نسی این مشکل پرداخت. در مورد روستاها، تنها چهارای که می‌توان در پیش گرفت، بوجود آوردن چند مرکز در این منطقه، استقرار تصفیه‌خانه‌های در آنها و سپس به‌پای آب تصفیه شده به سایر نقاط است.

### پارعبایت مصالح انقلاب: مرکز کامپیوتری سازمان تأمین اجتماعی را براه اندازید

این مرکز اشکالات تازه‌ای بوجود آورد. پس از مذاکره با مقامات هر دو شرکت و بررسی پیشنهادها، سرپرست این شرکت، مشخص شد که پیشنهاد شرکت دولتی "ایزبان" این همه تعدادی از اعضای شورای عالی انفورماتیک و سازمان برنامه بوده امرار فراوان به عقد قرارداد با شرکت خصوصی مزبور داشتند و دارند. در صورتی که کارکنان متعهد این مرکز این کار را به سود انقلاب نمی‌دانند.

تاکنون بعلت ادامه اختلافات ناشی از این مسئله، عملاً تجهیزات این مرکز بلااستفاده مانده است. بر مقامات مسئول است که با انجام اقداماتی فوری و با رعایت مصالح انقلاب و اهداف استراتژیک طبله‌ان آن به راه‌اندازی این مرکز مجهز مدرن بنزدانند. در این راه می‌توان بپایند به کارکنان متعهد و مسئول این مرکز تکیه کرد و از آنان باری گرفت.

اثر بافشاری کارکنان این سازمان، ضرورت بهره‌برداری از این مرکز و پس‌داین دستگاه‌های استجاری "ای بی.ام" (که تنها از همین بابت از پرداخت ۵۰ هزار دلار ماهیانه به این شرکت، صرفه‌جویی می‌شود) مورد قبول قرار گرفت و قرار شد در مرحله اول، پس از راه‌اندازی مرکز، سازمان مرکز آمار، وزارت اقتصاد و دارایی، سازمان برنامه و بودجه و نیز خود سازمان تأمین اجتماعی از تجهیزات این مرکز استفاده کنند. برای راه‌اندازی و تعمیر و نگهداری و تهیه قطعات پدکی این مرکز نیز با شرکت دولتی "ایزبان" مذاکراتی بعمل آمد و این شرکت آمادگی خود را برای این کار اعلام کرد. لیکن شورای عالی انفورماتیک، با اعلام این‌که علاوه بر اشکالات فوق‌الذکر باید با شرکت خصوصی وی. بی. اف - شی نیز که توسط عده‌ای از متخصصین سابقه شرکت آی. بی. ام. تشکیل شده است، مذاکره کرد، در راه‌اندازی

راه‌اندازی مرکز کامپیوتری سازمان تأمین اجتماعی، که می‌توان گفت یکی از مدرن‌ترین و مجهزترین مراکز در نوع خود در ایران و در سطح خاورمیانه است به دلیل کارکنانی - های مختلف متوقف مانده است. تجهیزات این مرکز، که تا قبل از انقلاب توسط آمریکاییان اداره می‌شد، حدود ۶ میلیون تومان بوساعت آن ۷۰ میلیون تومان خرج برداشته است.

پس از انقلاب، گروهی از کارکنان این مرکز تصمیم به راه‌اندازی مجدد این مرکز گرفتند. آنان تصمیم داشتند که از مراکز کمداری دستگاه استجاری هستند، دموت کنند، تا بجای دستگاه‌های خود، که باید بالغ زیادی بابت اجاره‌شان می‌دادند، از دستگاه‌های این مرکز استفاده کنند. لیکن سیاست کام به کام "دولت موقت و نیز بی‌برنامگی مدیران سازمان تأمین اجتماعی مانع انجام این تصمیم شد. سرانجام بر

# درباره استکبار

در روزنامه‌های که نام «انقلاب اسلامی» بر خویش نهاده، نویسنده ستون «وقایع انقلاب»، مقاله‌ای تحت عنوان «استکباری قرون» - که عنوانی بسیار پرازنده برای آن مقاله است - نوشته و نه بطور اتفاق بلکه بشیوه دائمی خویش، مقادیر فراوانی افرا و دشنام رکیک درباره حزب توده ایران ردیف کرده است.

بر عایت وضع موجود و تکالیف روزنامه نگاری، در شرایطی که حملات و افتراها و توهین‌های متعاقب آن تنها نبودند، پس از آنکه امریکایی چاکتاکر و گروه صدامی تجاوزگر و هیاهورهای متعلقه طرفدار آمریکاست، البته ما هرگز با نویسنده «وقایع انقلاب» دهان بدهان نمی‌شویم. آنچه را که سزای اوست، در پاسخ نامزدهایش نتوانیم نوشت.

نسبت به سرنوشته انقلاب، یا یک ایرانی مخالف یا تحکیم نظام جمهوری اسلامی ایران، نظامی که علیه امپریالیسم می‌رزد و سر آن دارد که از توده زحمتکش دفاع کند، (اگر بتوان آنها را ایرانی نامید) مطلب دیگری است. اما یک ایرانی انقلابی و هوادار نظم کثرتی و نظیفه انقلابی دارد که بلافاصله همین اطلاع خویش را، با آگاهی و هوشیاری، به اطلاع مقامات مسئول برساند، بدون هیچگونه اظهار نظر و تمسیر و «الله شیب» هم برساند، تا خود مقامات مسئول بروند و تحقیق کنند که آن آقا کی بوده، چه ماموریتی داشته، از طرف کی آمده و دنبال چه هدفی می‌گشته است؟

نویسنده «وقایع انقلاب» در روزنامه «انقلاب اسلامی» این مطلب بکلی ساده را ظاهر انبیه است که چاپ نام مورخه ۲۹/۱۲/۵۹ حزب توده ایران در «نامه مردم» بخاطر مدرك آوردن بر اصل سفر نبوده است، چیزی که نیاز به اثبات نداشته، بلکه بخاطر آن بوده که نشان داده شود که بهنگام اطلاع خبر، ما هیچگونه اظهار نظری درباره راستی یا استیجاب آقا قهرمانی نداریم. این یا آن شخص یا مقام نکریم. ما عین نام خود را، که در آن تاریخ به مقامات مسئول کشور فرستاده بودیم، کلیشه کردیم، تا ثابت شود که موضوعی خصمانه و پر از اتهام و دشنامهای ناروای آقا رهبری جمهور علیه حزب توده ایران، درست نبوده و موردی نداشته است. حتی يك كلمه یا اشاره‌ای هم به اینکه شخص نامبرده از طرف چه کسی احتمالاً آمده و چه مقامی به او ماموریتی واگذار کرده، نداشته‌ایم، زیرا این خود مسئولان بوده‌اند که میبایست در این باره تحقیق و رسیدگی کنند.

هر کسی که از سفر اسفندماه دکتر قهرمانه به لندن و مراجعه او به سفارت عراق و مذاکرات مفصل او با خبر میشد و این خبر را به مقامات مسئول ایران نمیرسانید، حداقل چیزی که درباره او میشد گفت، این میبود که به انقلاب و سرنوشته میبایست برانتهاست. ما که با خبر شدیم، بدیهی بود که مقامات مسئول را با خبر کنیم. ما مطمئن بودیم که خود مقامات مسئول رسیدگی خواهند کرد و تنها ذکر خود خبر را کافی دانستیم و حتی از هر نوع فراخواندن به تحقیق و هشدار بردن و پیگیری کردن هم اجتناب کردیم، زیرا میدانستیم که هر کسی به انقلاب و سرنوشته آن علاقمند است، خود بر رسیدگی بر خواهد خاست. پس چرا نویسنده «وقایع انقلاب» اینقدر عصبانی شده و سخنان ناروای آقا

از اینکه بگذریم، لغات و عبارات و صفاتی که نویسنده در دشنام گوئی و افترازی به حزب ما آورده است، تنها نشانه خصمی لگالگسته است که از عصبانیتی بی‌حد و مرز حکایت میکند. چرا خاطر پراز سلامت «وقایع انقلاب» آزرده شده؟ چه چیز وی را اینچنین به خشم آورده است؟ آیا يك اشتراکی، يك اطلاع مبوق از يك توطئه، که در حال تکوین بود، باید اینطور موجب عصبانیت «وقایع انقلاب» شود؟ درست است که احتیاط يك خبر و توجه دادن به مقامات مسئول، منظور هشدار بودن و تدابیر لازم را اتخاذ کردن، میتواند موجب خطری مرتفع گردد و کسانی نتوانند شاهد اتفاق واقعی دلخواه شوند. ولی چرا این مطلب باید روزنامه نویسی «انقلاب اسلامی» را عصبانی کند؟ مطلب از این قرار است که در پایان سال گذشته، ما خبری دریافت کردیم دایره‌ای که شخصی بنام قهرمانه از تهران به لندن رسیده (در زمانی که جنگ جریان دارد و مسافرت‌ها محدود است و جز در موارد استثنائی اجازه خروج داده نمیشود) و این شخص بلافاصله به سفارت عراق در لندن رفته است (سفارت کشوری که با ایران در حال جنگ است) و همین انقلابی مانع از ورود و خودسازمانده حملات و یورشها به سفارت ایران بوده، که حتی منجر به شهادت دیپلماتهای ایرانی نیز شده است.

ما البته از محتوای مذاکرات خبری نداشتیم، ولی خبری که از آن بود که مذاکرات مفصل بوده است. ما میدانستیم که این آقا قهرمانه کیست، از طرف چه کسی به لندن رفته، چه ماموریتی بهمه داشته و بنام چه کسی صحبت میکند؟ در این شرایط فکر میکنید که وظیفه يك ایرانی طرفدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران چیست؟ گفتیم و تکیه میکنیم که وظیفه يك ایرانی طرفدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، البته يك ایرانی ضد انقلاب، یا يك ایرانی بی‌تفاوت

نویسنده «وقایع انقلاب» در روزنامه «انقلاب اسلامی» این مطلب بکلی ساده را ظاهر انبیه است که چاپ نام مورخه ۲۹/۱۲/۵۹ حزب توده ایران در «نامه مردم» بخاطر مدرك آوردن بر اصل سفر نبوده است، چیزی که نیاز به اثبات نداشته، بلکه بخاطر آن بوده که نشان داده شود که بهنگام اطلاع خبر، ما هیچگونه اظهار نظری درباره راستی یا استیجاب آقا قهرمانی نداریم. این یا آن شخص یا مقام نکریم. ما عین نام خود را، که در آن تاریخ به مقامات مسئول کشور فرستاده بودیم، کلیشه کردیم، تا ثابت شود که موضوعی خصمانه و پر از اتهام و دشنامهای ناروای آقا رهبری جمهور علیه حزب توده ایران، درست نبوده و موردی نداشته است. حتی يك كلمه یا اشاره‌ای هم به اینکه شخص نامبرده از طرف چه کسی احتمالاً آمده و چه مقامی به او ماموریتی واگذار کرده، نداشته‌ایم، زیرا این خود مسئولان بوده‌اند که میبایست در این باره تحقیق و رسیدگی کنند.

هر کسی که از سفر اسفندماه دکتر قهرمانه به لندن و مراجعه او به سفارت عراق و مذاکرات مفصل او با خبر میشد و این خبر را به مقامات مسئول ایران نمیرسانید، حداقل چیزی که درباره او میشد گفت، این میبود که به انقلاب و سرنوشته میبایست برانتهاست. ما که با خبر شدیم، بدیهی بود که مقامات مسئول را با خبر کنیم. ما مطمئن بودیم که خود مقامات مسئول رسیدگی خواهند کرد و تنها ذکر خود خبر را کافی دانستیم و حتی از هر نوع فراخواندن به تحقیق و هشدار بردن و پیگیری کردن هم اجتناب کردیم، زیرا میدانستیم که هر کسی به انقلاب و سرنوشته آن علاقمند است، خود بر رسیدگی بر خواهد خاست. پس چرا نویسنده «وقایع انقلاب» اینقدر عصبانی شده و سخنان ناروای آقا

مطالب منتشره در جراید، بارها رسیدگی کرده و داخلاق مسئولان سطح بالای مملکت و آقای رهبری جمهوری تنها مسئله مورد نظر هیئت نیست؛ آقای نویسنده قاعدتاً مرد سیاست است و باید بداند که روز ۳۰ فروردین ۶۰ آقای یزدی، سخنگوی هیئتمنفری به مسئولین جراید تذکر داد و گفت:

«دگرچنانچه تخطاتی از آنها دیده شود ضمن تقیب قانونی، به مردم نیز معرفی خواهد شد. آقای نویسنده باید قاعدتاً لایق اعلامیه شماره يك هیئت سمفتری را خوانده باشد که در آن گفته میشود:

«دیده میشود که متأسفانه پاره‌ای از روزنامه‌ها و مجلات تخطاتی داشته‌اند. هیئت برخورد لازم میداند برای حفظ آرامش به کلیه روزنامه‌ها و مجلات تذکر دهد که از عنوان نمودن مطالبی که موجب تصفیه یا توهین و یا تشدید اختلاف میشود، خودداری کنند. بدیهی است که مسئولین محترم جراید باید از حسن نیت رهنمودهای امام را تصبالحین فراد خوانند. داد» (جراید ۲۶ فروردین ۶۰)

روشن است که جراید و وظایف آنها و تخطات آنها نیز مورد نظر هیئت است و مسئله آرامش تنها به مسئولان سطوح بالای مملکتی کشور؛ محدود نمیشود و همه کسی، منجمله روزنامه نگاران، و از جمله نویسنده «وقایع انقلاب» باید رهنمودها را تصبالحین قرار دهد. حال فرض کنیم که نویسنده «وقایع انقلاب» همه این اسناد رسمی و اظهارات رسمی هیئت را شنیده و نخوانده است. ولی لایق ضرور میبود که سخنان «حجت‌الاسلام اشراقی» نماینده رئیس‌جمهور در هیئت سمفتری را، راه آنهم در پایان دیدار روز ۷ اردیبهشت ایشان را رئیس‌جمهور و فرمانده کل قوا خوانده باشد و به آن احترام گذارد. آقای اشراقی گفته است: «روزنامه‌ها در جوفلی سعی کنند تا آرامش حفظ شود و جو ملایم ملایم بماند تا مسئولین بتوانند در این موقع حساس مملکتی به اوضاع مملکت برسدند. در این جو است که ما میگوئیم روزنامه‌ها ملایمت قلم در دست بگیرند.

حال این سؤال پیش می‌آید: این آقای نویسنده در روزنامه «انقلاب اسلامی» چگونه حتی خط نماینده رئیس‌جمهور در هیئتمنفری را نمی‌خواند و بگویند که درباره وظایف روزنامه در جو کثرتی و به تکلیف هیئت سمفتری در قبال روزنامه‌ها کردن نمیدهد؛ چه کسانی و چرا نمیکذارند جو ملایم باقی بماند؛ چه کسانی نفع دارند که آرامش حفظ نشود و بهیای توهین و افترا و تشنه، تشنه می‌آفرینند اینچه ماموریت نامیوزی است که اجرا میشود یا جای آن نیست که با هم توجه هیئت سمفتری به این موضوع، برای پایان دادن به این رویه زبانش، جلب شود؟

## نامه يك افغانی

به «دادگاه بین المللی استکبار»

يك افغانی بنام «حاج غلام ساهری» نامه‌ای به دادگاه بین المللی استکبار، درباره جنایات امپریالیسم آمریکا و متحدان و دست‌نشاندهان و مزدورانش در افغانستان نوشته، که توسط «خبرگزاری یو.پی.اس» انتشار یافته است. در زیر ترجمه این نامه به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

«اینک من تنها فرزند يك خانواده سمفتری هستم. در ماه مارس ۱۹۷۹ خرابکاران مسلح مورد حمایت آمریکا، با سلاحهای آمریکایی خانه ما را مورد حمله قرار دادند و هفت نفر از اعضای خانواده مرا کشته کردند. در میان آنها زن، کودک و پیرمرد وجود داشت. خانواده دهقانی فقیر ما روزگار خود را از طریق زراعت و دستفروشی خود میگذرانید. ما قلمه زمینی را میکاشتم که، پس از انقلاب ثور در کورمان، بسا داده شده بود. ولی دشمنان مردم افغان بیوسه برمال و جان ما تجاوز میکردند. این خرابکاران برای انجام «کار کشتیف خود یعنی قتل و جنایت، مورد حمایت دولتهای آمریکا، چین، مصر و پاکستان قرار داشتند. اینها سلاحهایشان را از آنها دریافت میکنند و به کشور ما اعزام میشوند.

مردم ما بغیرت هستند و نمیتوانند خود را با جنایت و تجاوز سازگار کنند. من یکی از فرزندان مردم شریف افغان هستم، يك قریانی جنایات امپریالیسم آمریکا و مزدوران آنها، و من تأکید میکنم: اگر اتحاد شوروی درخواست دولت ما را نمی‌پذیرفت و بخش محدودی از سربازان خود را به افغانستان نمی‌فرستاد، اوضاع و احوال در کشور ما ناخوشایند میشد و مردم ما در معرض تهدید يك خطر قزاق می‌گرفتند. مردم ما از اتحاد شوروی، بخاطر نجات ما از تجاوز آمریکا و چین، متشکرمند. سربازان شوروی چون همه مردم شوروی دوستان ما هستند. آنها در مزارع کار نمی‌کنند. آنها با دهقانان و کارگران ما کار میکنند و از کشور ما در مقابل ادامه تجاوز، همدوش با نیروهای مسلح ما دفاع میکنند.

چرا دولتهای ایالات متحده آمریکا، چین، مصر و پاکستان ما را به حال خود نمی‌گذارند ما به هیچ کسکی احتیاج نداریم. ما حق داریم که دوستانمان را خودمان انتخاب کنیم. ولی دشمنان، دست‌نشاندهان، مزدوران نیستند. در ماه مارس گذشته، خرابکاران به کشور ما اعزام شدند و پنج تن دیگر از مسوولان و نزدیکان مرا، که از دهقانان مسوول و زراعتی زمینهایشان بودند، کشتند. من با تمام وجودم هستم تا انتقام پدر، مادر، خواهر، برادر، همسر و دیگر اعضاء خانواده‌ام را، که توسط خرابکاران کشته شدند، بگیرم. مردم ما بصورت تن واحدی برای مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و مزدورانش درآمده‌اند و همه مصمم هستند که از انقلاب ثور در برابر دشمنان خونخوار و کشتیف‌دفاع کنند.

المیتان ما به اتحاد شوروی، که دوست صمیمی ما است، روز افزون است. من از شما مدافعان عدالت و قانون می‌خواهم. ما نارا در مقابل جنایات امپریالیسم و سلفه‌طلبان چینی و مزدورانشان حمایت و حفاظت کنید. ما از شما عدالت و قانونیت میخواهیم. مردم افغان امپریالیسم آمریکا و جنایاتش را علیه کشور ما هرگز فراموش نمیکند.

## (در باره باصلاح دادگاه بین المللی استکبار علیه افغانستان و اتحاد شوروی)

کارزار تبلیغاتی برهیاو علیه انقلاب افغانستان، که توسط رسانه‌های گروهی غرب بشدت ادامه دارد، هدفش مخفی نگه داشتن حقیقت است. سخن بر سر جعل و تحریف حقایق، طبق يك نقشه پیش‌بینی شده است و جز این چیز دیگری نیست. حال هر قدر هم بخوانند در حیات‌های تحریری روزنامه‌های غرب، این حقیقت را نفی کنند. واضح است که حیات‌های تحریری این روزنامه‌ها خوب میداند که گزارشهای آژانسهای اطلاعاتی غرب و بویژه آژانسهای آمریکا درباره افغانستان، ذماری ارزش اطلاعاتی ندارند، و این قسط تبلیغات سیاست خارجی آمریکا است. لیکن داروطلبان متصبی پیدا میشوند که بلاشرط این «خبر» را، که منبع آن معمولاً قسط سازمان صهیاست، درج میکنند.

چرا؟ برای اینکه انقلاب افغانستان، صرف نظر از مشکلات و تنگناهای بزرگ خود، يك نمونه الهامبخش برای کلیه خلفهای مظلوم و ستمدیده است، و همه رژیمهای دیکتاتوری و استثمارگر جهان از این میترسند. برای امپریالیسم هیچ چیزی مخوفتر از انقلاب اجتماعی وجود ندارد، و بهین دلیل میکوشد که تمام قایمیه را که در افغانستان روی داده و میدهد، مسکوت گذارد و واقیبات را جعل و تحریف کند. در سال ۱۹۷۵ آمریکا، آسیای جنوب شرقی را «از دست داده» در سال ۱۹۷۸ ایالات متحده شروع به «از دست دادن» آسیای غربی، ایران و افغانستان نمود. ایالات متحده هرمنطقه‌ای را که خلفهایش به مبارزه در راه استقلال ملی و عدالت اجتماعی برمیخیزند، «از دست دادن» موضوع خود میبندد، مثلاً این است که واقفا حق صلح بر مناطق مختلف جهان را داشته است. و هر اندازه امپریالیسم اراضی بیشتری را «از دست میدهد»، بهمان اندازه بیشتر دچار سردرگمی میشود و این جنگ تبلیغاتی علیه افغانستان، که ایالات متحده در رأس آن قرار گرفته، از همین جا آب میخورد.

جای تأسف و مایه نگرانی است که پاره‌ای از نویسندگان و هنرمندان سوئدی و خارجی خود را در اختیار ارتجاع اقرابلی گذاشته‌اند و میخواهند در جنگ اعلان شده علیه مردم افغانستان، مردمی که خواستار آزادی و استقلال هستند، در استکبار شرکت کنند.

## نمایش ناهنجار

بیه ازمینه ۱

این نیز يك حقیقت مسلم است که انقلاب برای اولین بار در تاریخ مردم افغانستان امکان داد که، بر مبنای دموکراتیک، بر سیاست و بدین طریق بر زندگی خصوصی خود نیز تأثیر بگذارند. لیکن در بنیانه میدهند بگویند که کمک به این انقلاب حاکمیت کشور و حق مردم افغانستان در تعیین بلا مانع سرنوشته خود، نقض می‌کند. نه، همانا انقلاب اجتماعی در آوریل سال ۱۹۷۸ بود که مردم این کشور امکان داد که آزادانه سرنوشته خود را برگزینند. موقیتهای مردم افغانستان میتواند مایه خوشحالی کلیه افراد خیراندیش کره زمین گردد.

ولی متأسفانه اطلاعات درست و واقعی درباره تغییراتی که در افغانستان روی میدهد، بویژه بافقان خود در جراید غرب، از جمله در جراید سوئد، انظار را بخود جلب میکند و سازماندهندگان «دادگاه» نیز از این فقدان استفاده میکنند. لیکن برغم تمام جعلیات اخبار گمراه کننده، حقیقت آنکار نا پذیر است که حاکمیت افغانستان و حقوق خلفهای آن را با بصوصم پشتیبانی از خارج، که ارتجاع بین المللی در اختیار ضد انقلاب میکذارد، نقض میکند.

يك دعو، دعو دیگر را می‌آفریند. و این، بخصوص موصی ثابت میشود که اتهام علیه اتحاد شوروی در «دادگاه» اقامه میشود. هرگاه دلیل و برهانی برای اقدام اتحاد شوروی در بر تقص مشهور. سازمان ملل متحد و یا جنگ آن علیه مردم افغانستان و بیعبارت دیگر «اتهامنامه‌ای» وجود میداشت، آیا مجراید آزاده غرب در انتشار آن درنگ میکردند، همان جرایدی که در روز روشن با جراع دنیال این دلایل میگردند و چون پیدا نمیکند، خودشان آنها را میسازند؟ برعکس، دلایل و شواهد مستند بیشماری در دست است که جنایت و تبهکاری علیه مردم بیگناه و افراد غیر نظامی را به ثبوت میرساند، جنایاتی که فیریک‌های قسرا قلب، و رشیانه علیه زنان بی‌چادر و یا کودکانی که بدمرسه میروند، مرتکب میشوند. آنها میخواهند بر قیستی شده افغانی‌ها را از زندگی شایسته انسانیت محروم سازند.

# بابی سندز!

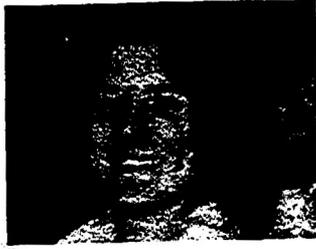
بگزارش خبرگزاری آریا بایستی سندز، مبارز ایرلند شمالی، در دست و ششمین روز اعتصاب غذای خود در سن سیست و هفت سالگی، جان سپرد.

**دایرین (بابی) جمراد سندز،** چهره برجسته جنبش مقاومت ایرلند شمالی، بخاطر مبارزه علیه اشغالگران انگلیسی، به ۱۴ سال زندان محکوم شده بود. اما مخالف حاکم بریتانیا، که همیشه میل داشته‌اند، کشور خود را بمنزله «مهد آزادی و دموکراسی» بپزینند، این مبارز سیاسی را نیز «تورویست» و «جنایتکار» قلمداد کردند. چنین ادعای ریاکارانه‌ای، از سوی استعمارگران لندن‌نشین، پدید آمده و شکست‌ناپذیری نیست. در دست‌نامه‌های پیشین بریتانیا، کمتر جنبش آزادی‌بخشی را می‌یابیم که، «جنتلمن‌های انگلیسی» پس آن نام «جرگه تورویست» نهاده باشند و کمتر رهبر انقلابی است که سالها از قسمت آزادیخواهی و دموکراسی‌طلبی استعمارگران بریتانیایی، البته در زندان و شکنجه‌گاه، دهرمنده شده باشد.

پدینسان، خاتم تاجر نیز می‌تواند بخود بیالته که یسمن دیرین آیه و اجداد خویش و قادار باقرمانده است. «دیوانی‌آهین» لندن، نه تنها آرای آزادی‌طلبانه هزاران ایرلندی را در «دلفاسته» (لندن‌دری)، «تیوری» «دانگانون» و دیگر شهرها و شهرک‌های ایرلند شمالی ناشنیده گرفت،

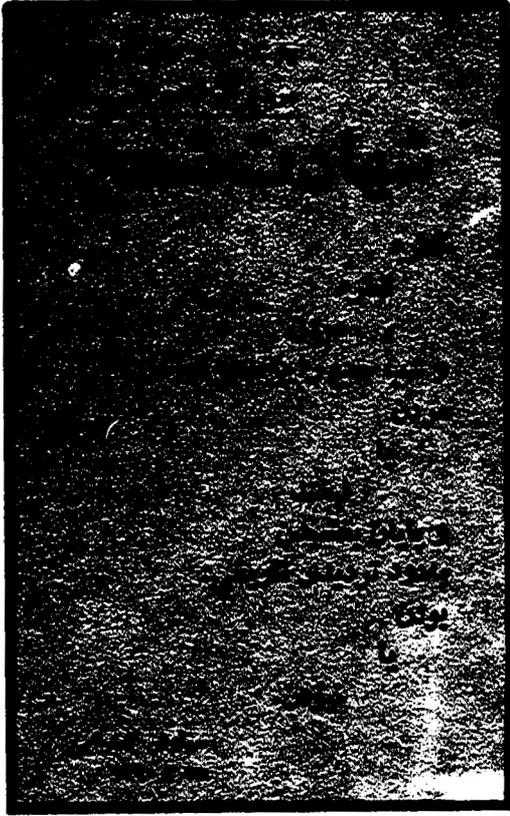
بلکه در برابر افکار عمومی جهان نیز «آهین» ماند. هواداران انگلیسی حقوق بشر حاضر شدند، که زندانی «بلوک اچ زندان میز» به «جبهانه‌ترین گونه» بیلاکت برسد، ولی دیدی‌ترین حق را او نادیده بینکارند: حق آنکه بعنوان «زندان سیاسی»، نه یک «جنایتکار عادی»، در بنداشغالگران انگلیسی پس برود.

از اینکه بگذریم، «هوستمی‌لیست» نشینان، که خود را «واژگان دماغ پارلمان» می‌خوانند، نمی‌خواستند حتی حق نمایندگی بایستی سندز را در پارلمان لندن بپذیرند. هرچه باشد چهار روز پس از آنکه بایستی سندز، اعتصاب غذای خود را آغاز کرد، مرگ نماینده «فیرماناگ» و «تایرون جنوری» به انتخابات جدید در این حوزه انتخاباتی انجامید و بایستی سندز، «سینوشت» «تایم»، «در برابر دیدگان هراس‌زده دولت بریتانیا» به نمایندگی «هوستمی‌لیست» برگزیده شد. دولت بریتانیا که همیشه استدلال می‌کند «شورشیان» ایرلند شمالی باید دست از «تورویست» بردارند و از راه‌های «قانونی» خواستهای خود را مطرح سازند، اجازه نداد



که بایستی سندز حتی یک لحظه، از سخت‌ترین پارلمان بریتانیا، خواستهای حق خود و هم‌شهرندان خود را بگوش مردم این کشور برساند.

دقتار «پشردوستانه» «آزادیخواهانه» و «دیارلالتاریستی» دولت بریتانیا در برابر بایستی سندز، موجب گسترده از خشم در سراسر جهان برانگیخت. اما «دیوانی‌آهین»، «آهین» ماند و گفت «جرم جرم است» شاید خانم تلچر بیندیشد که با دستهای «آهین» خود توانسته است پسر «مجرم‌های بلوک اچ زندان میز» «دیروز» شود. ولی آینده نشان خواهد داد که مبارزان ایرلند شمالی نیز، چون بسیاری از خلق‌ها پیش از آنها، زنجیر «آهین» استعمار انگلستان را از هم خواهند گسلید و چون آهن‌پاره‌های بی‌زباله‌دان تاریخ خواهند افتادند.



## بابی سندز، پس از شصت و شش روز اعتصاب غذا درگذشت

بگزارش خبرگزاری آریا، بابی سندز، قهرمان ایرلند شمالی، پس از شصت و شش روز اعتصاب غذا، در ساعت یک و هفت دقیقه

یاسمداد ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۰، درگذشت. بابی سندز خواستار آن بود که به‌ار و دیگر هم‌بندانش، موقت زندانی سیاسی، داده شود اما دولت تاجر، که او و یارانش را «تورویست» می‌خواند، از برآوردن این خواست حق او خودداری ورزید.

بابی سندز همچنین چند هفته پیش به نمایندگی پارلمان بریتانیا انتخاب شده و ولی دولت محافظه‌کار او حضور او در مجلس عوام جلوگیری کرد.

بابی سندز، چند روز بود که بی‌تابی و شتابی خود را از دست داده بود و آخرین ساعات عمر خود را در آنجا بسر برد.

در پی پخش خبر مرگ بابی سندز، تظاهرات وسیعی سراسر ایرلند شمالی را به لرزه درآورد. در دلفاسته، دری و دیگر شهرها هزاران نفر به خیابانها ریختند و، ضمن آیراز خیم خود ازلاکت بابی سندز، خواستار آزادی «آلستر» و زندانیان سیاسی و خروج نیروهای انگلیسی از کشور خود شدند. بویژه در محله‌های کارگری مردم به ایجاد سنگر دست‌زداند در دلفاسته، سربازان انگلیسی بسوی مردم تیراندازی کردند. بسیاری از تظاهرکنندگان زخمی و عسکری نیز مستکبر شدند.

سربازان انگلیسی، که چندین روز بود در حال آمادگی زمی بسر می‌بردند، به مقابله وحشیانه با مبارزان ایرلند شمالی پرداختند. بویژه گزارشی، حال یکی از سه تن زندانی دیگر «زندان میز» نیز، که چندین‌بار از بابی سندز، به اعتصاب غذا پرداخته پس از ۵۲ روز بسیار وخیم شده‌است.

بگزارش خبرگزاری آریا، بابی سندز، قهرمان ایرلند شمالی، پس از شصت و شش روز اعتصاب غذا، در ساعت یک و هفت دقیقه

### نامۀ مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بیژانی  
خجایان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دکتر «نامۀ مردم»  
هنوز در اختیار  
«نامۀ مردم» نیست)

چاپ: کاویان

## NAMEH MARDOM

No. 505  
6 May 1961

Price:	
West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامۀ مردم» و همه متلقات دولتی و غیردولتی می‌توانند به آدرس زیر یا «نامۀ مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی  
۱۳/۳۵۵۱، منطقه  
۱۴ پستی تهران



## کنفرانس همبستگی بین‌المللی یا مردم کامپوچیا خرابکارهای واشینگتن و چین را علیه خلق کامپوچیا محکوم کرد

کنفرانس همبستگی بین‌المللی یا مردم کامپوچیا، پیش از پایان اجلاس خود در پنومپن، خلق‌های همه کشورها را به کمک به «حیالی‌ملی» کامپوچیا فراخواند. بیانیه کنفرانس برای «کمپوچیا مستوطنان» اتحاد شوروی، ویتنام و دیگر کشورهای «سوسیالیستی» قدر فرازان قائل می‌شود و خرابکارهای مشترک واشینگتن-چین را علیه خلق کامپوچیا محکوم می‌کند.

## وزیر کشور نیکاراگوئه: ما قصد تسلیم و تجاوز به دیگر کشورها را نداریم

توماس یورخه، وزیر کشور نیکاراگوئه، ایالات متحده آمریکا را بخاطر تنش آفرینی در آمریکای مرکزی نکوهش کرد. وی، در گفت‌وگو با خبرنگاران خارجی در ماناگوئه گفت که ایالات متحده آمریکا جنگ-اقرار و کارشناس نظامی به رژیم‌های مرجع السالوادور، هندوراس و گواتمالا در آمریکای مرکزی می‌فرستد.

توماس یورخه یادآور شد که «نیکاراگوئه کسی را تسلیم نمی‌کند و قصد آذرا ندارد که به کشورهای همسایه حمله‌ور گردد»

## گردهمایی مادریده کار خود را از سر می‌گیرد

روز شنبه، ۱۵ اردیبهشت ۶۰، در مادریده، گردهمایی کشورهای امضاکننده «کنفرانس امنیت و همکاری اروپا» کار خود را از سر گرفت. فعالیت این گردهمایی اکنون به مرحله نهایی خود نزدیک می‌شود. بسیاری از نظران مستمند که مهم‌ترین وظیفه «گردهمایی مادریده» حصول توافق درباره فراخوانی کنفرانس درباره تنش‌زدایی نظامی و خلع سلاح در اروپا است.

هرچند هیچک از نمایندگان شرکت‌کننده در گردهمایی نامبرده ضرورت این امر را منکر نیستند ولی هنوز در میان آنها برخی اختلافات موجود است.

اتحاد شوروی، با اعلام آمادگی خود درباره گسترش تدابیر امتداد آفرین به سراسر بخش اروپایی کشور، گام بزرگی در راه کمک به موفقیت «گردهمایی مادریده» برداشته است. اتحاد شوروی اظهار امیدواری کرده است که قرب نیز به اقدام هائنده دست زند

## وزیر خارجه آمریکا در اجلاس «ناتو» هم پیمانان اروپای غربی ما باید بیشتر از ما پشتیبانی کنند

از دم گزارش می‌رسد که مناسبات میان شرق و غرب، مهم‌ترین موضوع نخستین روز اجلاس کنفرانس وزیران خارجه کشورهای «ناتو» بود.

چندین وزیر خارجه کشورهای اروپایی عضو «ناتو»، ضمن انتقاد از سیاست ایالات متحده آمریکا، از «واشینگتن» خواستند که هرچه زودتر مذاکرات با اتحاد شوروی را درباره تحدید موشک‌های هسته‌ای در اروپا از سر گیرد.

بویژه گزارشی، الکساندر هیگه، در پاسخ خود تنها به «گفتگوهای مقداری» اشاره کرد. از سوی دیگر، وی از هم‌پیمانان آمریکا خواست، تا با جدیت بیشتری از تقه‌های ایالات متحده آمریکا درباره استقرار موشک‌های هسته‌ای جدید در اروپای غربی، به هواداری بپردازند.

## رئیس‌جمهوری زامبیا و توی کشورهای غربی را در «شورای امنیت» درباره قطعنامه نامی بیا محکوم کرد

کت کاتوندا، رئیس‌جمهوری زامبیا، و توی کشورهای غربی را در «شورای امنیت» علیه پیش‌نویس قطعنامه کشورهای آفریقایی درباره «مجازات هم‌چهار» و «اجباری» رژیم آپارتاید محکوم کرد.

وی، که در کنفرانس درباره آپارتاید در لیونگستون (زامبیا)، که از سوی سازمان بین‌المللی کار، برگزار شده بود، سخن می‌گفت، عوامل خرابکار کیم می‌رسانند. بگفته کاتوندا، وظیفه این عوامل «براندازی رژیم‌های کشورهای صاف مقدم جبهه» تعیین گردیده‌است.

کت کاتوندا از زحمت‌کنان سراسر جهان خواست تا هبستگی خود را علیه رژیم آپارتاید تقویت بخشند.

## استعفای هشت وزیر کابینه سوئد

نخست‌وزیر سوئد استعفای هشت وزیر کابینه را پذیرفت. هشت وزیر نامبرده ملت استعفای خود را اختلافات شدید در باره برخی مسائل اقتصادی بویژه سیاست مالیاتی، ذکر کرده‌اند.

پدین ترتیب، دولت سوئد در چهار سال اخیر، برای دومین بار، دچار بحران می‌شود.

## نخست‌وزیر ژاپن در واشینگتن

روز ۱۵ اردیبهشت ۶۰، سونوگمی، نخست‌وزیر ژاپن، وارد ایالات متحده آمریکا شد. وی قرار است، روز بعد گفت‌وگو‌های خود را با ریگان آغاز کند.

بگزارش خبرگزاری فرانسه، در طرف خواهد کوشید تا اختلافات شدید خود را رفع سازند. این اختلافات، از جمله، گسترش نفوذ اقتصادی ژاپن در ایالات متحده آمریکا و خواست «واشینگتن» برای درباره افزایش همکاری‌ها بین نظامی از سوی ژاپن دربر می‌گیرد.

سونوگمی قصد دارد که مسئله فرق شدن یک کشتی باربری ژاپن را بوسیله یکی از وزیران دریایی هسته‌ای آمریکا نیز مطرح کند.

یادآور می‌شویم که چند هفته پیش، یکی از زیردریایی‌های هسته‌ای آمریکا، پس از تصادف با کشتی باربری ژاپن، سبب فرق این کشتی شد و خیال آنکه کسی از این حادثه آگاه خواهد گردید، بدون کوشش برای نجات سرتیپان ژاپنی، محل رویداد را ترک کرد. چندین از این سرتیپان، که از حادثه نامبرده جان سالم بدر بردند این موضوع را فاش ساختند. رویداد نامبرده به تیرگی مناسبات میان آمریکا و ژاپن انجامید.

# باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم